ماندگار

روزنامۀ صبح افغانستان

چاپ همزمان: کابل – هرات

پخش همزمان: بلخ، پروان، پنجشیر، میدان وردگ و کاپیسا

www.mandegardaily.com

سال ۱۰ ❁ شمارۀ مسلسل ۲۲۷۳ ❁ دوشنبه ۷ جوزا/خرداد ۱۳۹۷ ❁ ۱۲ رمضان مبارک ۱۴۳۹ ❁ ۲۸ می ۲۰۱۸

روزولت

در هر شرایطی که هستید، با تمام توان و با استفاده از تمام امکاناتِ خود کار کنید.

عزیزی بانک به منظور انتقـــــالات ارزهای دالر امریکایی، یورو و ین چینایی در یکی از بزرگ‌ترین بانک چین حساب (Nostro) باز کرده‌است و از همین طریق یکبار دیگر انتقالات مستقیم پول را آغاز نموده. همچنان عزیزی بانک با این بانک بین المللی و قابل اعتبار چینایی در یک همکاری ستراتیژیک در سه ارز یاد شده برای معاملات تجارتی و مالی با شرکت های چینی معاملات بانکی را انجام میدهد.

عزیزی بانک
Azizi Bank

SWIFT

www.azizibank.af

1515

تیفا:

روند ثبت نام رأی دهندگان تا نزدیک انتخابات ادامه یابد

به دنبال تصمیم کمیسیون انتخابات مبنی بر عدم تمدید زمان ثبت نام رای دهندگان در ولسوالی‌ها، بنیاد انتخابات شفاف افغانستان می‌گوید که حضور کم‌رنگ مردم، برگزاری انتخابات سراسری و شفاف را دشورا می‌کند.

با آغاز روند ثبت نام رای دهندگان، کمیسیون انتخابات برای ثبت نام حدود ده میلیون واجد شرایط رای دهی در سراسر افغانستان اعلام آمادگی کرده بود.

اکنون که روند ثبت نام رای دهندگان در مرحله دوم خود در مراکز ولسوالی‌ها قرار داد، کمیسیون انتخابات اعلام کرده که بیش از سه میلیون واجد الشرایط رای دهی در این روند ثبت نام کردند. آماری که برای برگزاری انتخابات سرتاسری اندک گفته می‌شود.

درحالی‌که حضور مردم در روند ثبت نام کمرنگ گفته می‌شود، انتظار می‌رفت تا کمیسیون انتخابات تاریخ ثبت نام رای دهندگان را تمدید کند. اکنون اما رییس دبیر خانه کمیسیون مستقل انتخابات گفته که روند ثبت نام رای...

ادامه صفحه ٦

مردم ولایت پروان در یک همایش اعتراضی:

توزیع یکجانبه تذکره شیرازۀ امنیت و ثبات کشور را به هم می‌ریزد

صفحه ٦

یک مقام ایرانی:

ابوبکر البغدادی در افغانستان است

یک مقام ارشد ایرانی به هیاتی به سرکردگی اشتر آصف علی دادستان عمومی پاکستان خبر داده که ایران گزارش‌های اطلاعاتی بسیار موثقی دارد که نشان می‌دهد ابوبکر البغدادی رییس داعش در افغانستان به سر می‌برد.

به گزارش پایگاه خبری تریبون پاکستان، ایران به اسلام آباد نسبت به حضور داعش در مرزهای مشترک این کشور با افغانستان هشدار داده است.

به گفته یک مقام آگاه، یک مقام ارشد ایرانی به هیاتی به سرکردگی اشتر آصف علی دادستان عمومی پاکستان خبر داده که ایران گزارش‌های اطلاعاتی بسیار موثقی دارد که نشان می‌دهد آمریکا در حال انتقال داعش است و ابوبکر البغدادی رییس داعش در افغانستان به سر می‌برد.

بر اساس این گزارش، این مقامات خبر داده‌اند که آمریکا و اسرائیل می‌خواهند ایران و پاکستان را به سوریه، عراق، لیبی و افغانستانی دیگر تبدیل کنند.

به گزارش تریبون، اخیرا سفیر تاجیکستان در پاکستان نیز اعلام کرد نسبت به رشد نفوذ داعش در افغانستان نگران است چرا که حضور آنها در این کشور تهدیدی برای صلح همه منطقه است.

صفحه ۳

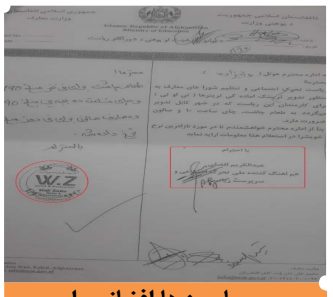

میلیون‌ها افغانی را از یک کارگاه آموزشی دزدیده‌اند

صفحه ۲

سود و زیان افغانستان و پاکستان در تقابل جدیدِ واشنگتن ـ تهران

صفحه ۷

پیامدهای درگیری امریکا و اسراییل با ایران

کابل:

تصمیم ادغام مناطق قبایلی «یک‌جانبه است»

اسلام‌آباد:

افغانستان درامور داخلی ما مداخله نکند

بهزاد

ارگ ریاست حکومت وحدت ملی در واکنش به تصمیم پارلمان پاکستان مبنی بر ادغام مناطق قبایلی با ایالت خیبرپختون‌خواه یک‌جانبه و در مغایرت با توافقات سال ۱۹۲۱ میان هند برتانیوی و افغانستان است.

ریاست حکومت وحدت ملی با نشر خبرنامه‌یی همچنان گفته است که کابل همواره به خاطر مداخله‌های نظامی پاکستان و تصمیم «یک‌جانبۀ» آن کشور به منظور تغییرات وضعیت سیاسی مردم قبایلی ساکن در امتداد خط دیورند، نگرانی خود را از طرق دیپلوماتیک با مقامات اسلام‌آباد و جامعۀ بین المللی مطرح کرده است.

در اعلامیۀ ارگ آمده است که پارلمان...

ادامه صفحه ٦

سخن ماندگار

سفر به پاکستان؛ هـــواخوری یا چـــــاره‌جویی

حنیف اتمر مشاور امنیت ملیِ افغانستان در همراهی با وزیر داخله و رییس امنیتِ ملی برای دیدار با مقام‌های ارشدِ پاکستانی به اسلام‌آباد سفر کرده است.

اگرچه سفرِ چندی پیشِ شاهد خاقان عباسی نخست‌وزیر پاکستان به کابل و ادامهٔ گفت‌وگوها پیرامون «برنامهٔ عملِ افغانستان و پاکستان برای صلح» این سفر را توجیه می‌کند، اما نظر به تجاربِ گذشته و وضعیت جاری افغانستان، این سفر نیز تکرارِ مکررات و چرخش در دور باطلِ قهر و آشتی یا سفر و بازسفرِ بی‌حاصل تلقی می‌شود.

در دنیای سیاست و دیپلماسی مسلماً نباید از سفر و چانه‌زنی خسته و مأیوس شد، اما این اصل زمانی قابل اتکا و تأکید است که نقشهٔ گفت‌وگوها بر اهداف روشن و نامتناقضی استوار باشد که در درازمدت بتوان آن‌ها را به ثمر نشاند. وقتی که هیچ اهدافِ روشن و هیچ نقشهٔ جامع و راهبردی‌یی در ورایِ گفت‌وگوها و ملاقاتِ مقام‌های افغانستان با پاکستان وجود نداشته باشد، این سفرها صرفاً هواخوری رفتن از خزانهٔ دولت و مردم تلقی می‌شود.

اگر مردم پاکستان از این سفرها و دیدارها استقبال کنند، شاید حق‌به‌جانب باشند؛ چون لااقل دولت‌مردان آن‌ها برای دهه‌ها توانسته‌اند افغانستان را عمق استراتژیک و حیاط خلوتِ پاکستان در رقابت با هند بسازند. اما مردم افغانستان حتا در اوج این دیدارها و گفت‌وگوها، شاهدِ موشک‌پراکنی از آن‌سویِ مرز و افزایش تحرکاتِ تروریستی در شهرها و روستاهای‌شان اند که همه از مناطق قبایلی پاکستان آب می‌خورد.

افزون بر این‌ها، درحالی‌که پاکستان در همهٔ گفت‌وگوهایش با مقامات افغانستانی، از ایدهٔ «عمق استراتژیک» فارغ نیست؛ مقاماتِ حکومتِ افغانستان نیز دل‌چسبیِ مبهمی به تداوم این ایده نشان می‌دهند. به گونهٔ مثال، چند روز پیش آقای غفور لیوال مشاور رییس‌جمهور در امور اقوام و قبایل، در واکنش به تصمیم پارلمانِ پاکستان مبنی بر ادغام مناطق قبایلی این کشور به ایالت خیبرپختون‌خواه، با استناد به پیمان راولپندی گفت که «سلب خودمختاری این مناطق باید به مشورت با دولت افغانستان انجام می‌شد.»

مسلماً چنین واکنشی از سوی نمایندهٔ رسمی ریاست‌جمهوری، نشان‌دهندهٔ گمراهیِ شدید حکومت افغانستان در برنامهٔ رسیدن به صلح و همبستگی از طریق همکاری دو کشور است. اولاً این‌که هرج‌ومرج و خشونت در مناطق قبایلی، پاشنهٔ آشیلِ دو همسایه به‌ویژه افغانستان در برابر تروریسم است؛ ثانیاً پاکستان عمقِ استراتژیکِ خود در افغانستان را تا کنون از دریچهٔ فرهنگِ حاکم بر مناطق قبایلی تعقیب کرده؛ ثالثاً ادغام این مناطق در ساختار قانونی و اداریِ پاکستان می‌تواند قدمی بسیار بزرگ برای رهایی افغانستان از پایگاه‌ها و پناهگاه‌های تروریستی‌یی شود که هر روز در شهرهای کشور فاجعه می‌آفریند، رابعاً استناد جستن به پیمانِ لغو و منقضی‌شدهٔ راولپندی برای خدشه‌دار ساختن این تصمیم، اگر سودی داشته باشد، سود آن شاملِ حال پاکستان برای تداوم سیاستِ عمقِ استراتژیک در افغانستان و جهاد در کشمیر هندوستان می‌شود و خامساً اگر به‌راستی حکومت افغانستان به آن سوی دیورند چشم دارد و یا این‌که بر ادامهٔ خودمختاریِ مناطق قبایلی و هرج‌ومرج در آن تأکید دارد، به‌جای سفر به پاکستان و گفت‌وگو پیرامون «برنامهٔ عمل افغانستان و پاکستان برای صلح»، بر برنامهٔ جنگ قاطع و سرنوشت‌ساز با پاکستان تمرکز کند و خود و مردمِ افغانستان را از این‌همه دوگانه‌گی و بلاتکلیفی برهاند.

حکومت افغانستان درحالی به دنبال تحققِ صلح از مسیر پاکستان است که با سیاست‌های نادرست و متناقض خود، همدلی و همبستگیِ سیاسی و اجتماعی در کشور را دچار گسست‌ها و شکست‌های عمیق کرده و با ادامهٔ داعیهٔ باطل و تاریخ‌گذشتهٔ دیورند، هم افغانستان را محکوم به بی‌ثباتی و هم پاکستان را وادار به دخالتِ بیشتر در افغانستان می‌سازد.

این‌ها همه دلایلی بر بیهوده خواندن و در بهترین گمان، «هواخوری» نامیدنِ سفرِ مقاماتِ کشور به پاکستان است. آقایان اتمر، استانکزی و برمک در این سفر بهترین غذاها را خواهند خورد و خوش‌ترین چکرها را خواهند زد و در پایان، داستانِ افغانستان و پاکستان کما فی‌السابق تمدید خواهد شد!

محمداکرام اندیشمند

سود و زیانِ افغانستان و پاکستان در تقابل جدیدِ واشـــنگتن ــ تهـــران

تقابل ایالات متحدهٔ امریکا و جمهوری اسلامی ایران، پس از خروج برجام که با اعلان سیاستِ جدیدِ مایک پمپئو وزیر خارجهٔ امریکا واردِ مرحلهٔ تازه گردید، برای پاکستان شانسِ بهتر و برای افغانستان چالش‌آفرین و زیان‌بار است. پاکستان در این تقابل فرصتی را در منطقه و در سیاستش بر سرِ افغانستان به‌دست می‌آورد که در زمانِ سقوط شاه ایران به دست آورد، هرچند که سودهای این فرصت در حد سودهای کلانِ آن دوران برای پاکستان نباشد.

انقلاب ۱۳۵۷ ایران و فرصتِ طلایی پاکستان در روابطش با امریکا بر سرِ افغانستان

سقوط حکومت شاه ایران در دلو ۱۳۵۷ و ایجاد دولت اسلامیِ ضدامریکایی هم‌زمان با حملهٔ نظامیِ شوروی بر افغانستان، فرصت طلایی را در اختیار پاکستان گذاشت تا امریکا را در مورد افغانستان به دنبال سیاست‌های خودش بکشاند. آغاشاهی وزیر خارجهٔ اسبق پاکستان در شروع شکل‌گیری سیاست استخباراتی ایالات متحدهٔ امریکا در مورد افغانستان که برنامهٔ کمک به مجاهدین را روی دست گرفت، در فبروری ۱۹۸۰ به «برژینسکی « مشاور امنیت ملی رییس جمهور کارتر که به پاکستان سفر کرده بود تا توافق پاکستانی‌ها را در حمایت از جنگ مجاهدین جلب کند، گفت: «حقیقت این است که امریکا به ما احترام نمی‌گذارد. از ما می‌خواهد که حیثیت یکی از دولت‌های اقمار را اختیار نماییم. ما به خوبی می‌دانیم که شما چطور کوشش می‌کردید که با استفاده از شاه (شاه ایران) ما را به حیث یک دولت دنباله‌رو نگهدارید، اما حالا آن دوران گذشت.»

پاکستانی‌ها به خوبی می‌دانستند که امریکا با از دست دادن حکومت شاه ایران چاره‌یی جز آن ندارند تا در مورد افغانستان گوش‌های خود را برای شنیدن مطالبات آن‌ها باز نگهدارند و به دنبال سیاست و برنامه‌های آن‌ها در افغانستان بروند. با بهره‌گیری از این فرصت طلایی بود که جنرال اختر عبدالرحمن رییس سازمان اطلاعات نظامی ارتش پاکستان (آی.اس .آی) به هدایت جنرال ضیاءالحق زمام دار وقت پاکستان با «هاورد هارت» رییس بخش سی.آی.ای در سفارت امریکا در اسلام‌آباد بر سر کمک به مجاهدین در جنگ علیه قوای شوروی و دولت مورد حمایت آن‌ها در کابل به این توافق رسید:

۱- هیچ امریکایی، افراد سی.آی.ای و یا ارگان‌های دیگر حق ندارند از خاک پاکستان، وارد افغانستان شوند.

۲- توزیع و انتقال سلاح تنها توسط افسران آی.اس.آی صورت می‌گیرد.

۳- تعلیمات نظامی برای مجاهدین در کمپ‌های آی.اس.آی و توسط افسران آن سازمان در امتداد مرز با افغانستان صورت خواهد گرفت.

٤- مأمورین سی.آی.ای اجازه تعلیم مجاهدین را ندارند.

۵- در صورت معرفی سیستم سلاح‌های جدید مأمورین آن سازمان معلمین آی.اس. آی را تعلیم خواهند داد.

پاکستان در مرحلهٔ جدید تقابل تهران و امریکا

خروج امریکا از برجام و اعلان سیاست جدید واشنگتن توسط مایک پمپئو وزیر خارجه که حکایت از تشدید و گسترش تقابل و خصومت با ایران دارد، پاکستان را بار دیگر در موقعیتِ بهتر بر سر اعمال سیاست‌هایش در افغانستان قرار می‌دهد. پاکستان ابزار استفاده از بندر آبی را برای فشار علیه افغانستان در عرصهٔ تجارت و اقتصاد به‌دست می‌آورد، در حالی که با رونق‌گیری بندر چابهار ایران و استفادهٔ افغانستان از این بندر از فشار اسلام آباد بر کابل کاسته بود. خبرگزاری رویترز در گزارشی پس از خروج امریکا از برجام، بسته شدن دروازهٔ پروژهٔ چابهار را بروی افغانستان مورد بحث قرار داد و نوشت که بازگشت تحریم‌های امریکا علیه ایران پروژهٔ چابهار را در معرض خطر قرار داده است، درحالی‌که تقویت اقتصاد افغانستان یکی از اهداف کلیدی امریکا برای پایان دادن به طولانی‌ترین مأموریت خارجی‌اش است. در این گزارش گفته می‌شود که تصمیم ترامپ در خروج از برجام نه تنها به وابسته‌گی افغانستان به پاکستان پایان نمی‌دهد، بلکه تلاش واشنگتن برای فراهم‌سازی زمینهٔ صلح در افغانستان را تضعیف می‌کند. تقابل تازهٔ امریکا و ایران از فشار امریکایی‌ها بر پاکستان مبنی بر ترک حمایت از طالبان که با استراتیژی ترامپ در ۲۱ آگست سال ۲۰۱۷ اعلان شده بود، می‌کاهد و پاکستان میدان خود را به ادامهٔ این حمایت بازتر می‌بیند.

هرچند این استراتژی که ۹ ماه از آن می‌گذرد، نه تنها هیچ‌گونه تغییری در سیاست پاکستان مبنی بر حمایت از طالبان ایجاد نکرد، برعکس حملات نظامی و جنگ طالبان در این مدت شدت و گسترش بی‌سابقه یافت. گزارش تازهٔ امنیتی و اطلاعاتی پنتاگون (وزارت دفاع امریکا) منتشرهٔ روز ۲۱ می سال روان نیز با این عبارت که استراتیژی ترامپ برای افغانستان پیشرفت اندک داشته است، در واقع ناکارایی و ناکامی استراتیژی رییس جمهور امریکا را به خصوص در فشار بر پاکستان بیان می‌کند.

تقابل امریکا با ایران پس از خروج برجام حتا به همان استراتیژی ناکارآمد فشار بر پاکستان بر سر افغانستان نقطهٔ پایان می‌گذارد. پاکستان می‌تواند با بهره گیری از تجارب پیشین خود از مرحلهٔ تازهٔ تقابل امریکا با ایران، مناسبات خود را با امریکایی‌ها نزدیک سازد و از این نزدیکی سود ببرد. اما افغانستان در مرحلهٔ جدید تقابل تهران و واشنگتن بیشتر زیانمند و قربانی می‌شود. به هر حدی که تنش و نزاع میان ایران و امریکا شدت و گسترده‌گی بیابد، به همان حد افغانستان به میدان انتقام‌گیری تهران از امریکایی‌ها تبدیل می‌شود. طالبان مورد حمایت بیشتر ایران قرار می‌گیرند و پیچیده‌گی جنگ در افغانستان ابعاد جدیدتر و عمیق‌تر می‌یابد. ایران نیز در این تقابل و این میدان قربانی می‌شود. اگر ترامپ و کابینهٔ تهدیدگر و جنگی‌اش در صدد فشار بیشتر و شدیدتر بر جمهوری اسلامی ایران باشند و یا شوند، افغانستان می‌تواند یکی از میدان‌های اعمال این فشار و تهدید باشد. هرچند تهران به سوی افغانستان به عنوان نقطه‌ضعف امریکایی‌ها نگاه کند که می‌تواند دستان آن‌ها را زیر سنگ گیرماندهٔ افغانستان بیشتر بفشارد و مجروح‌تر و خونین‌تر کند، اما امریکایی‌ها همچنان می‌توانند افغانستان را دامی برای گرفتاری و ضربه زدن ایران بسازند.

بدون تردید از این وضعیت، پاکستان سود می‌برد و ایران به عنوان کشور اصلیِ مداخله‌گر و حامی تروریسم در افغانستان معرفی می‌شود.

گوشه‌یی از اختلاس در وزارت معارف

میلیون‌ها افغانی را از یک کارگاه آموزشی دزدیده‌اند

ابوبکر صدیق

اسنادی به‌دست روزنامهٔ ماندگار قرار گرفته است که نشان می‌دهد نصف پول‌های کمکشده به کارگاه‌های آموزشی که از طرف «ریاست تحرک اجتماعی شوراهای معارف» به منظور آموزش مربیان «تریننگ تی او تی» به همکاری «اداره ارتقای کیفیت معارف " (ایکویپ) در سال ۱۳۹۳ راه‌اندازی شده بود، به جیب مسوولان برگزارکنندهٔ این کارگاه‌ها رفته است.

هیات تفتیش داخلی وزارت آموزش و پرورش، در تماس به هوتل‌هایی که «مهمانان کارگاه‌های آموزشی» در آن بودوباش داشته و سالون‌های کنفرانس را به کرایه گرفته بودند، دریافته‌اند که ضیالحق صافی، رییس تحرک اجتماعی شوراهای معارف]رییس دفتر فعلی وزارت[و عبدالکریم افضلی، هماهنگ‌کنندهٔ برنامه ملی تحرک اجتماعی، بل‌های پرداخت هزینه هوتل‌ها را دست‌کاری کرده و پول‌ها را اختلاس کرده‌اند.

آقایان صافی و افضلی با دست‌کاری و جعل‌کاری بل‌های «هوتل قصر سلطان غزنه، هوتل ولی‌زاده و رستورانت کلبه آرمان» پول‌های اختصاص شده به‌بخش‌های کرایه سالون، کرایه اتاق‌های بودوباش، چای و غذای چاشت را به جیب‌های خود ریخته‌اند.

برای برگزاری این گارگاه آموزشی (تریننگ تی او تی) کارمندان وزارت آموزش و پرورش، از ولایت‌های لوگر، پکتیا، خوست، وردک، غزنی، زابل، پروان، پنجشیر، پکتیکا و کاپیسا به کابل دعوت شده بودند. به اساس گفته‌های منابع در وزارت آموزش و پرورش، " ۱۲ میلیون افغانی" به این کارگاه‌ها اختصاص داده شده بود. اما تنها در سه هوتل از بابت کرایه سالون‌های کنفرانس، غذای چاشت و چای، پنج میلیون افغانی اختلاس شده است.

این مدارک که به بیش از ۲۵۰ ورق می‌رسد، از طرف هیأت موظف مالی و تفتیش داخلی وزارت آموزش و پرورش به‌بررسی گرفته شده است.

در اسناد به دست آمده بل‌های جعل شده از طرف مسوولان برگزار کننده کارگاه‌های آموزشی وجود دارد که در آن قیمت کرایه سالون‌های کنفرانس، اتاق‌های بودوباش مهمانان، غذای چاشت و چای ده‌بجه‌یی ذکر شده است؛ اما اداره هوتل از داشتن سالون کنفرانس و داشتن بیش از چهل اتاق برای مهمان انکار کرده و قیمت‌های ذکر شده در بل‌ها را ناقص دانسته است. هم‌چنان مُهر و تاپی موجود در بل‌های مذکور را مربوط اداره خود نمی‌دانند.

۱- هوتل ولی زاده: مدرک به دست آمده از هوتل ولی زاده نشان می‌دهد که بیش از «یک میلیون افغانی» در این هوتل مورد دستبرد قرار گرفته است.

هیات تفتیش داخلی وزارت آموزش و پرورش در یک مکتوب از دفتر "هوتل ولی زاده" در رابطه به قیمت اتاق‌های بودوباش مهمانان، سالون‌های برگزاری کنفرانس، غذای چاشت و چای اشتراک کنندگان، خواستار وضاحت شده است. اما اداره هوتل ولی زاده بل‌های مورخ ۲۳/۸/۹۳ و ٦ / ۹۳/۷را قابل اعتبار ندانسته و وجود سالون کنفرانس در این هوتل را رد کرده است. هم‌چنان اداره هوتل بل‌های مذکور را جعلی و ساختگی دانسته و گفته است که مُهر و تاپی موجود در بل‌ها دست‌کاری شده و جعلی و ساختگی می‌باشد که با بل اصلی هوتل تفاوت قابل ملاحظه دارد.

پول پرداخته شده در بل‌هایی که از طرف اداره هوتل تایید نشده است (بل‌های جعلی) بالغ به ۱۲۰۳٤۰۰/ یک میلیون دو و سه هزار و چهار صد افغانی می‌شود که از بابت اتاق‌های بودوباش، غذا و سالون‌های کنفرانس پرداخته شده است. اما اداره هوتل آن را رد کرده است.

بل‌های جعلی

در مکتوب مورخ ۱۸/۸/۹۳ که به اساس ادعای اداره هوتل ولی زاده مُهر و تاپی آن جعلی است و مربوط این هوتل نمی‌شود، عبدالکریم افضلی، هماهنگ کنندهٔ ملی تحرک اجتماعی و سرپرست ریاست، از اداره هوتل ولی زاده خواستار قیمت کرایه اتاق‌های دونفری برای مهمانان شده است و در پاسخ این مکتوب نگاشته شده است که اتاق‌های دونفری ۳۰۰۰ افغانی است.

در بل شماره ۱۳۹ که هم‌چنان مورد تایید هوتل ولی‌زاده نیست و ادعا می‌کند که مُهر و تاپی آن نیز جعلی است، آقای افضلی خواستار قیمت طعام چاشت، چای و کرایه سالون شده است و در جواب مکتوب طعام چاشت ٤۹۰ افغانی، چای ده بجه ۹۰ افغانی و کرایه سالون ۷۵۰۰ افغانی نگاشته شده است.

۲ – در بل شماره ۷۵ مورخ ۷/۱۳۹۳/٦ که اداره هوتل آن را جعلی دانسته است، آمده: "برای بودباش کارمندان فی اتاق دونفری ۳۰۰۰افغانی، ۲۱ اتاق پنج شب ۳۱۵۰۰۰ افغانی پول دریافت شد.

۳ – در بل دیگر جعل شده آمده که سالون اول؛ غذای چاشت ۳۰ تن فی روز ۱٤۷۰۰ ، چهار روز ۵۸۸۰۰ افغانی.

سالون دوم طعام چاشت ۳۰ تن فی روز ۱٤۷۰۰ ، چهار روز ۵۸۸۰۰ افغانی.

چای ساعت ده بجه‌یی برای ٦۰ تن فی نفر ۹۰ افغانی؛ فی روز ۵٤۰۰ افغانی چهار روز ۲۱٦۰۰ افغانی.

فی سالون ۷۵۰۰ دو سالون ۱۵۰۰۰ افغانی چهار روز ٦۰ هزار که مجموعاً ۱۹۹۲۰۰ افغانی.

٤ – هم‌چنان، در بل جعلی مورخ ۲۳/۸/۱۳۹۳ آمده است که طعام چاشت فی خوراک ٤۰۰ افغانی ۱۰۰ تن ٤۲٤۰۰ – پنج روز ۲۱۲۰۰۰ افغانی – چای برای ۱۰٦ تن پنج روز ۵۳۰۰۰ افغانی– کرایه سه سالون پنج روز ۲۲۵۰۰۰ که مجموعه ٤۹۰۰۰۰ افغانی می‌شود، اما اداره هوتل ولی زاده بل‌های فوق‌ذکر را جعلی خوانده و از دریافت چنین هزینه‌یی انکار کرده است.

از سویی هم، هیات موظف تفتیش داخلی وزارت آموزش و پرورش در مکتوب رسمی شماره «۳۰٦» مورخ ۹/۱/۱۳۹٦ از اداره هوتل ولی زاده در مورد کرایه اتاق، سالون‌های کنفرانس و قیمت غذا خواستار معلومات شده است؛ در جواب مکتوب آمده است: "فی اتاق یک نفره ۱۰۰۰ افغانی؛ دونفره ۲۰۰۰ افغانی؛ سه نفره ۲۵۰۰ افغانی و چهار نفره ۳۰۰۰ افغانی است. هم‌چنان در ادامه اداره هوتل افزوده که به تعداد ۹۰ تن در این هوتل برای پنج شب بود باش داشته‌اند، اما این هوتل کدام سالون برای برگزاری کنفرانس ندارد. هم‌چنان هوتل ولی زاده دارای ٤۵ اتاق دونفره نمی‌باشد و طعام چاشت نیز در هوتل ولی زاده نبوده است، بل‌های هذا مورد اعتبار نمی‌باشد".

هم‌چنان، داکتر امیر محمد امیری، معاون سرپرست برنامه‌های (ایکویپ)]ارتقای کیفیت معارف[طی مکتوب شماره«۱۱۳» از اداره هوتل ولی زاده از بابت برنامه‌های ریاست تحرکات اجتماعی سال ۱۳۹۳ خواهان معلومات شده است. هوتل ولی زاده در جواب نگاشته که "بل‌های واصله مورخ ماه عقرب سال ۱۳۹۳ که از اداره هوتل ولی زاده اخذ گردیده بل‌های هوتل نبوده و جعلی می‌باشند، نرخ هوتل که شبانه ۳۰۰۰ افغانی است، نرخ ما نیست".

اما، ضیاالحق صافی، رییس تحرک اجتماعی و شوراهای معارف و مشاور ارشد مقام وزارت] رییس دفتر فعلی وزیر [در مکتوب شماره«٤۷۱» که به مدیریت هوتل ولی زاده فرستاده نگاشته است: " قسمیکه در جریان هستید ریاست تحرک اجتماعی و شوراهای معارف «تریننگ» پنج روزه را از تاریخ ۱۸/۸/۱۳۹۳ تا ۲٤/۸/۱۳۹۳ در سه سالون آن هوتل برگزار نموده و هم‌چنان برای مهمانان خویش اتاق دونفری فی اتاق ۳۰۰۰ افغانی فی‌شب به کرایه گرفته بود". اما اداره هوتل شما در استعلام اداره ایکویپ که در مورد مصارف از اداره هوتل شما وضاحت خواسته بود؛ موارد فوق را رد کردید. در جواب این مکتوب که مُهر جعلی هوتل ولی زاده در آن وجود دارد نگاشته شده:" بل واصله ماه عقرب سال ۱۳۹۳ که از اداره هوتل اخذ گردیده اصلی می‌باشد و کرایه اتاق دونفری ۳۰۰۰ افغانی می‌باشد و گفته شده که در مکتوب اداره ایکویپ سهواً معلومات داده شده است". اما هیات موظف طی مکتوب «۳۳٤» به اداره هوتل ولی؛ در رابطه به مکتوب‌های ۳۰٦ – ۱۱۳ و ٤۷۱ خواهان معلومات شده است. اداره هوتل ولی زاده ارایه معلومات در استعلام‌های شماره ۳۰٦ و ۱۳۳ اداره ایکویپ را تایید، اما مکتوب شماره ٤۷۱ رییس تحرک اجتماعی و شوراهای معارف را رد می‌کند. در پاسخ به مکتوب هیات موظف تفتیش داخلی از طرف اداره هوتل نگاشته شده است:" در مورد استعلام شماره ۳۰٦ مورخ ۱/۱۳۹٦/۹معلومات از اداره ما صورت گرفته است قابل اعتبار است. در استعلام به اداره ایکویپ معلومات داده شده صحت دارد و مربوط اداره هوتل می باشد، اما استعلام شماره ٤۷۱ مورخ ۱۸/۸/۱۳۹۵ که از اداره تحرک اجتماعی و شوراهای معارف معلومات داده شده مربوط اداره هوتل نمی‌باشد. هم‌چنان بل مورخ ۲۳/۸/۱۳۹۳ که ضمیمهٔ استعلام است نیز مربوط اداره هوتل نمی‌باشد.

رستورانت کلبه آرمان

بل‌هایی که از رستورانت کلبه آرمان به دست روز نامهٔ ماندگار قرار گرفته است، نشان میدهد که نیم میلیون پول در آن‌ها برای مهمانان کارگاهای آموزشی هزینه شده است، اما این بل‌ها نیز از طرف اداره هوتل کلبه آرمان تایید نشده است.

در بل شماره ٥٦ مورخ ۳/۸/۹۳ هزینه دو وقت چای و غذای چاشت ٦۸ اشتراک کنندهٔ گارگاه آموزشی در رستورانت کلبه آرمان به مدت پنج روز بالغ به ۱٦۸۳۰۰ افغانی شده است.

در بل شماره ۱۳۵ مورخ ٦/۷/۹۳ مصرف غذای چاشت و چای دو روز۲۰۲ تن اشتراک کنندگان بالغ به ۲۱٤۱۲۰ افغانی شده است.

در بل شماره ۱۳٦مورخ ٦/۷/۹۳ مصرف در دو روز غذای چاشت و چای ٦۸ تن بالغ به ۷۲۰۸۰ افغانی شده است. اما، زمانی که «هیات مووظف تفتیش داخلی وزارت آموزش و پرورش» از اداره «رستورانت کلبه‌آرمان» خواستار وضاحت در رابطه به هزینه پرداخته شده در بل‌های شماره ٥٦، ۱۳۵ و ۱۳٦ شده است که مجموعه آن بالغ به ٥۹٦٥٤۰ می‌شود. اداره هوتل این بل‌ها را مربوط خود ندانسته است. در متن پاسخی اداره هوتل به هیات تفتیش داخلی وزارت آموزش وپرورش نگاشته آمده است:" بل‌هایی که شمارهٔ مسلسل آن (٥٦، ۱۳۵ و ۱۳٦) در متن استعلام ذکر شده مربوط رستورانت کلبه آرمان نمی‌باشد و امضا و مُهر موجود در آنها جعلی است.

مهمان‌خانهٔ سلطان غزنه

یکی دیگر از هوتل‌هایی که مورد بررسی هیات موظف تفتیش وزارت آموزش و پرورش قرار گرفته است، «قصر سلطان غزنه» است. در این هوتل ۲۲۳۰۰۰ افغانی برای کرایه اتاق، سالون کنفرانس و غذای مهمانان پرداخته شده است. اما در مکتوبی که از طرف اداره ایکویپ یا«ارتقای کیفیت معارف» به اداره هوتل فرستاده شده و از آنان درخواست معلومات در رابطه هزینه پرداخت شده در بل‌های موجود سال ۱۳۹۳ کرده است. اداره هوتل بل‌های مذکور را ناشناخته اعلام کرده است.

در متن پاسخی که اداره هوتل به نهاد ایکویپ فرستاده است چنین آمده: " بل‌های واصله مورخ ۳۱ اسد ۹۵ به اداره هوتل قصر سلطان غزنه به‌خاطر نداشتن تاریخ در بل و لست مهمانان موجود، قابل شناخت نبوده و نیز بل نوشته شده به قلم هیچ یک‌کارمندان هوتل نمی‌باشد، فلهذا الی روشن شدن تاریخ و لست مهمانان از پذیرفتن بل هذا و مسوولیت آن معذوریم، اما داشتن همکاری میان هوتل قصر غزنه و اداره ایکویپ را تایید می‌کنیم.

هم‌چنان در مکتوبی که هیات تفتیش داخلی وزارت آموزش و پرورش از اداره هوتل قصر سلطان غزنه خواستار وضاحت شده است، مسوول این هوتل در پاسخ از چنین قرار دادی اظهار بی‌خبری می‌کند. گفتنی‌ست که در مجموع سه هوتل متذکره تقریباً پنج میلیون(٤۰۲۹۹٤۰) افغانی هزینه در بل‌های جعلی پرداخت گردیده است که هیچ یک آن از طرف اداره هوتل‌ها تایید نشده است.

اسنادی که بیش از ۲۵۰ ورق می‌شود به دست‌روزنامهٔ ماندگار قرار گرفته است تنها به این خلاصه نمی‌شود؛ قرطاسیه، وسایل آموزشی برای اشتراک کنندگان، کرایه راه و هم‌چنان تابلوها و سایر مواردی که برای این کارگاه‌های آموزشی نیاز است را نیز در برمی‌گیرد، اما تا هنوز روشن نشده است که در این بخش‌ها چه مقدار اختلاس و دسبرد صورت گرفته است.

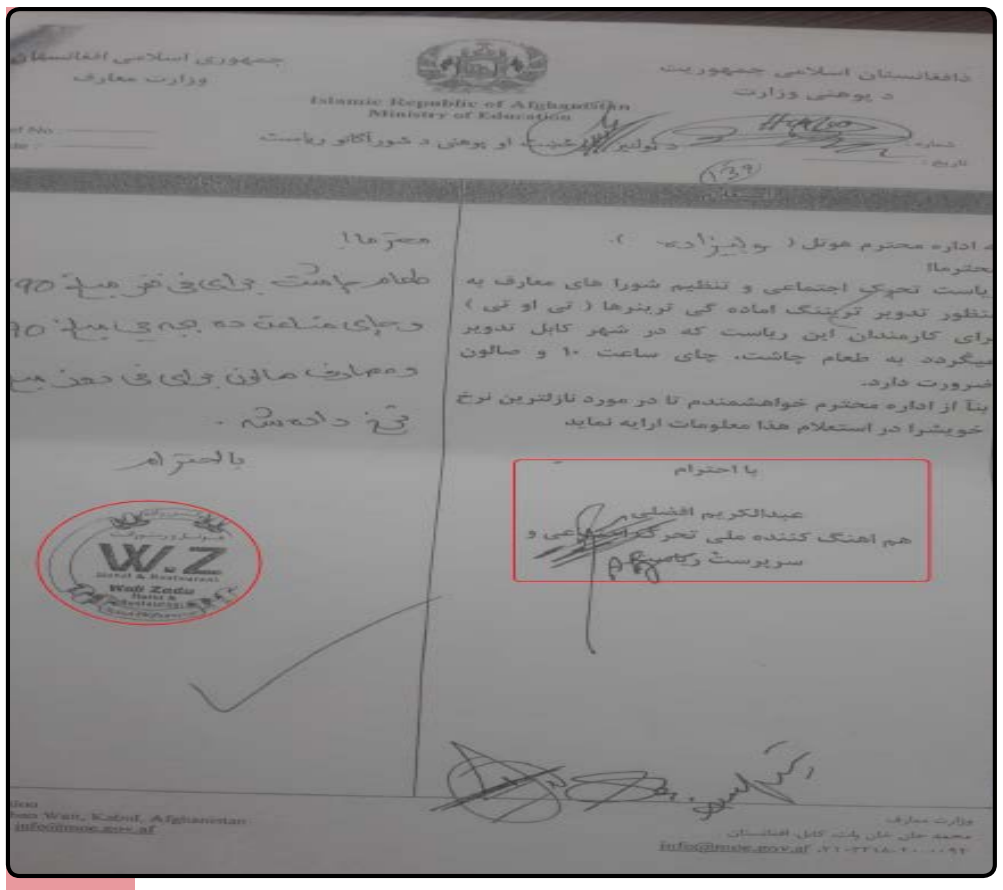

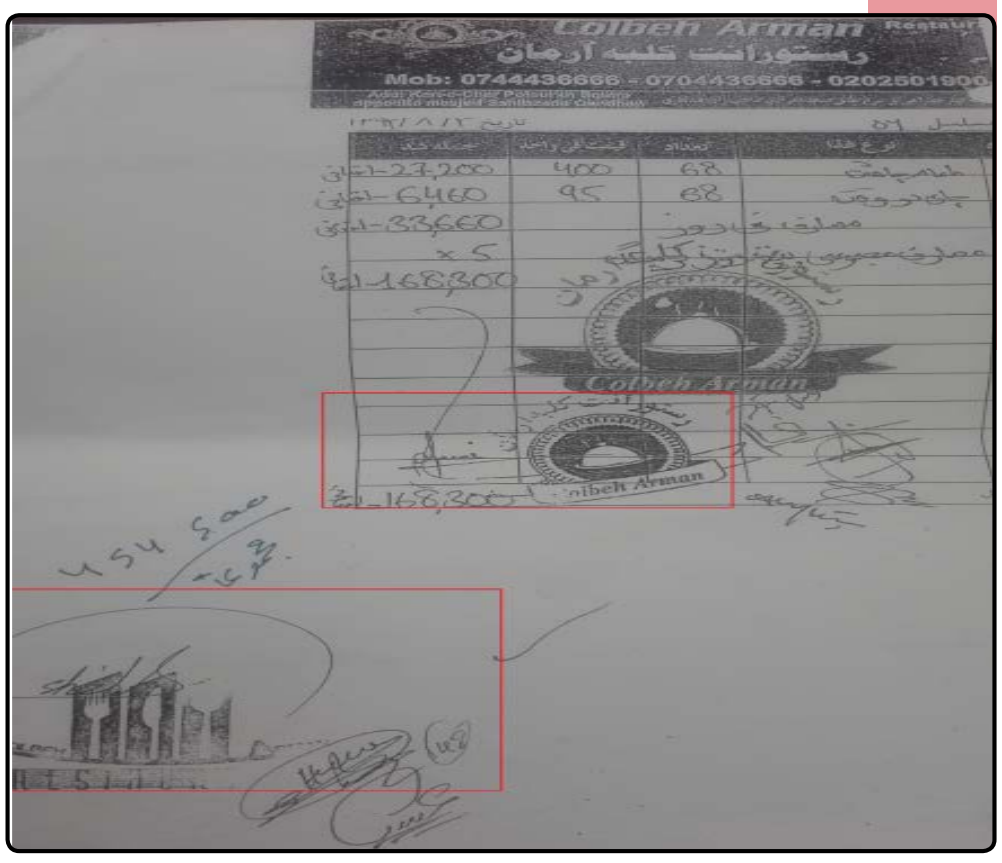

نگاهِ نوبه قرآن

فشرده‌یی از نظریاتِ شحرور در قرآن‌شناسی

کمال‌الدین حامد

الف. تحذیر و تحدی (مبارزطلبی و مبارزه‌خواهی)

شحرور، تحذیر و هشدار را مربوط به "ام الکتاب" و یا همان "احکام" وارده در قرآن کریم می‌داند و بدین باور است که منظور از منع کتابت کتاب، نوشتن قرآن کریم نیست؛ ورنه کاتبان وحی مشمول این تحذیر و هشدار قرار می‌گرفتند. بلکه منظور از این منع یا هشدار، علاوه نمودنِ احکام بر احکام قرآن کریم بخش "ام الکتاب" آن است، که به این معنی مردم منع شده‌اند از این‌که مانند یهودیان، اجتهادات خودشان را بر احکام وارده در قرآن کریم (ام الکتاب) علاوه نمایند و به آن جنبهٔ تغییرناپذیر قرآنی بدهند. خداوند متعال مردم را از چیزی منع می‌کند که اجرای آن در حیطهٔ قدرت و اختیار آن‌ها باشد. ورنه، این می‌شود "تکلیف بما لایطاق"، و این علاوه‌سازی در حیطهٔ قدرت مردم بود که خداوند متعال از آن منع نمود و نسبت به آن هشدار داد (فویل للذین یکتبون ...). در ارتباط با همین امر است که خداوند متعال در آیات ۱۵۹ و ۱۷۴ سورهٔ بقره از کتمان حقایق علمی که با "تأویل" "القرآن" و احکامی که با اجتهاد روی "ام الکتاب" به‌دست می‌آید، منع کرده است. دلیل آن‌هم این است که این تحذیر و هشدار متوجه "الکتاب" که همان بخش احکام است، شده است، نه متوجه "القرآن" که بخش حقایق علمی و نبوی می‌باشد.

اما آن‌چه مربوط است به تحدی و مبارزه‌طلبی، این امر متوجه بخش "القرآن" می‌باشد نه بخش "الکتاب". آن‌طور که آیت ۸۸ سورهٔ إسرا می‌گوید: "علی أن یأتوا بمثل هذا القرآن". که به این صورت از تمام انسان‌ها و جنیان تقاضا شده است که مانند "القرآن" (بخش حقایق و نبوات) اگر می‌توانند آیاتی بسازند و بیاورند که در نهایت در آن عصر ثابت گردید که مردم از آوردن آیاتی شبیه "القرآن" با همان محتوای علمی و کلی عاجز بودند و به این صورت، اعجاز قرآن کریم تحقق یافت.

ب. قرآن کریم، معجزهٔ جاویدان

بر پایهٔ آن‌چه گفته آمد (اعجاز قرآن کریم از قبیل اعجاز کل ـ قرآن کریم ـ به إعجاز جزء ـ القرآن ـ است)، این سوال پیش می‌آید که قرآن کریم چه‌طور می‌تواند یک معجزهٔ جاویدان برای تمام بشریت باشد؟

به گفتهٔ شحرور، معجزهٔ تمام انبیای گذشته به شکل مادی بوده است و بنا بر این‌که علم انسان به "عالم محسوس" مقدم بوده است نسبت به "عالم معقول". روی همین ملحوظ معجزات انبیای گذشته بیشترینه به صورت تغییرات محسوس مادی به ظهور پیوسته است. نکتهٔ دیگر این‌که این معجزات با توجه به عصر خود، یک "اعجاز" تلقی می‌شده است، اگرچه به مرور زمان و پیشرفت علوم طبیعی این اعجاز رنگ می‌بازد.

اما قرآن کریم به لحاظ این‌که پیامبر اسلام آخرین پیامبران است، این محدودیت تاریخی را ندارد و باید جاویدان باشد. مبتنی به همین دلیل معجزهٔ پیامبر اسلام، برخلاف سایر انبیاء، یک تغییر مادی نیست، بلکه به صورت بیان حقایق علمی و تحت عنوان "القرآن" به ظهور رسیده است. این اعجاز در ضمن یک بخش از این کتاب که "القرآن" است وجود دارد و به سه صورت، جاویدان و همه‌شمول پنداشته می‌شود:

نخست این‌که: در "القرآن" طرح کلی و معقولی از محسوسات به گونه‌یی مطرح شده است که به مرور زمان و بر أثر تأویل و انکشاف علمی الی مالانهایه، انکشاف می‌نماید، بدون این‌که اصل این طرح کلی دچار تغییرگردد. قرآن کریم نیز در آیت ۵۳ سورهٔ فصلت مطرح می‌کند که این انکشاف در آفاق و أنفس ادامه پیدا می‌کند. مانند این‌که رطوبت (ماء) را منشای حیات معرفی می‌نماید (آیت ۳۰ سورهٔ انبیاء) و یا این‌که تمام حرکات را به حرکت مستدیر خلاصه می‌کند (آیت ۳۳ انبیاء). این طرح‌های کلی از آن روز تا امروز زیاد انکشاف یافته است و همینطور انکشاف آن ادامه خواهد داشت. به هراندازه که این "تأویل" یا انکشاف ادامه یابد، نفس این طرح کلی به‌هم نمی‌ریزد.

دوم این‌که "القرآن" حقایق را به‌صورتِ مطلق مطرح کرده است که پذیرای فهم نسبی و منطبق با هر زمان می‌باشد. برداشت ابن عباس با توجه به ظرفیت زمانی و مکانی عصر صحابه از این حقایق، یک چیز است و برداشت یک مفسر عصر میانه مانند ابن کثیر، چیزی دیگر. و به همین منوال، برداشتِ ما از آن حقایق، چیز آخر می‌باشد. تمام این برداشت‌ها فهم نسبی همان یک حقیقت است که در نتیجهٔ این حقایق چون به صورت مطلق وارد شده اند، همیشه قابلیت فهم نسبی را دارند.

سوم این‌که یک متن با ارزش ممکن است به دو صورت متمایز ارزش داشته باشد و اعجازآمیز باشد: اول این‌که حاوی مفاهیم و مصادیق برجسته باشد، مانند نوشته‌های

بخش هفتم

ابن هیثم و نیوتن. و یا این‌که خود متن به صورت فنی برجسته باشد، مانند اشعار متنبی و رمان‌های شکسپیر. اما نمی‌توان تصور کرد که کسی قادر باشد متنی را ارایه کند که هم به صورت فنی، ویژه‌گی‌های رمان شکسپیر را داشته باشد و هم به صورت مفهومی، برجسته‌گی‌های نظریهٔ نیوتن را. ولی "القرآن" هر دو خصوصیت را با خود دارد که به این صورت اعجاز این متن به لحاظ شکل و محتوا است. اما با آن‌هم در گذشته، توجه بیش از حد به جنبهٔ فنی متن "قرآن کریم" چنین تلقی شده است که گویا تمام اعجاز قرآن کریم در همان جنبهٔ زبانی آن است که به این صورت می‌شود یک معجزهٔ محدود برای اعراب. اما اگر این توأمیت یک‌جا مد نظر قرار گیرد، اعجاز قرآن کریم از محدودهٔ زبان، عصر و جغرافیا فراتر می‌رود.

ج) قواعد تأویل

شحرور بخش"القرآن" را قابل تأویل و انکشاف می‌داند، همان‌طور که بخش "الکتاب" را قابل اجتهاد می‌پندارد. وی بدین باور است که بشریت وظیفه دارد به تأویل و کشف حقایق علمی و نظری از "القرآن" ادامه دهد و تأویل کامل و مطلق نزد خدا است، ولی بشریت تا پایان تاریخ می‌تواند این تأویل را ادامه دهد. وی برای فهم نسبی حقایق وارد شده در "القرآن" و تأویل این حقایق قواعد و ضوابطی را از خود قرآن کریم بیرون می‌کشد که جالب است. وی برای این مأمول حد اقل شش قاعده را استخراج و نشان‌دهی می‌کند:

قاعدهٔ اول: رعایت خصایص زبان عربی است، مانند این‌که در زبان عربی ترادف وجود ندارد ولی اشتراک وجود دارد مانند این‌که یک واژه چندین معنی داشته باشد و این‌که اساس زبان نزد اعراب، معانی کلمات است و برای به‌دست‌دهی معانی، ممکن است از عبارات مختلفی کار گرفته شود.

قاعدهٔ دوم: فرق و تفکیک میان "إنزال" و "تنزیل" است. "تنزیل" برای انتقال موجود مادی به‌کار می‌رود، درحالی‌که "إنزال" برای انتقال از وجود ذهنی به وجود مادی استفاده می‌شود.

قاعدهٔ سوم: رعایت ترتیل در قرآن کریم است. ترتیل به همان ترتیب آیات مرتبط با موضوع واحد گفته می‌شود که بدون آن نمی‌توانیم به تأویل "القرآن" برسیم؛ برای این‌که موضوع واحد به صورتِ متفرقه در مواضع مختلفِ قرآن کریم وارد شده است.

بخش ششم

مکتب تمدن آفرینِ

رمضان

بشیراحمد انصاری

روزه؛ از سکوت تا سلوک

با آن‌که روزه به مفهوم امتناع از خوردن و نوشیدن آمده، ولی قرآن کریم از روزه‌یی دیگر یاد می‌کند که در میان امت‌های گذشته معمول بوده و آن روزهٔ خاموشی بوده است. آری! زمانی‌که حضرت مریم باردار می‌شود و عیسی (ع) را به‌دنیا می‌آورد، خداوند برای مقابله با تهمت‌های مردم و آن‌هم در دشوارترین لحظات بحران، از او می‌خواهد که روزه گیرد و با سلاح روزهٔ سکوت، این بحرانِ جان‌سوز را مدیریت نماید و شاید از برکت همین سکوتِ بلندآوازه بود که کودکش در گهواره به‌جای او لب به سخن گشود. خداوند در آیتِ ۲۶ سورهٔ مریم او را چنین توصیه می‌نماید:

«پس بخور و بنوش و دیده روشن‌دار، آن‌گاه اگر انسانی را دیدی، بگو برای خداوند مهربان روزه [ی سکوت] گرفته‌ام و هرگز امروز با هیچ انسانی سخن نمی‌گویم.»

در این‌جا دیده می‌شود با آن‌که مریم غذا می‌خورد و آب می‌نوشد، ولی بازهم قرآن کریم او را روزه‌دار خطاب می‌نماید.

سکوت، تأمل و خاموشی، یکی از نیازهای اساسی روان آدمی به حساب می‌رود. انسان در امتداد سال گاهی نیاز احساس می‌کند تا لب فرو بندد و دریچهٔ ذهن را گشوده سر به زانوی تأمل و تفکر فرو نهد. امروز عادت چنان است که ما همه عاشق و دل‌دادهٔ سخنانِ خودمان هستیم و حتا زمانی‌که به دیگران گوش فرا می‌دهیم، در این فکر هستیم که چه بگوییم، نه این‌که ببینیم جانب مقابل چه می‌گوید. اما انسان نیازمند آن است تا لحظاتی سکوت اختیار نموده، دربارهٔ آفرینش، جهان و خود اندیشیده و تاریک‌خانهٔ دل را با نور روح که از بزرگ‌ترین منبع هستی سرچشمه می‌گیرد، روشن سازد. سکوت از تمرین‌های اساسی ادیان است که شفایی برای نفس و صیقلی برای ذهن و شارژی برای اراده شناسایی شده است.

سکوت در گذشته‌ها هم کار دشواری بود، ولی در عصر ارتباطات که انسان هیچ لحظه‌یی احساس تنهایی نمی‌کند، دشوارتر است؛ عصری که ما را به شبکهٔ عنکبوتی مخابراتِ مدرن وصل نموده و در پهنای زمین و امتداد شب و روز با تمامی دنیا در تماس بوده و از راه موبایل، ایمیل، فیس‌بوک، تلیفون‌های منزل و ده‌ها وسیلهٔ ارتباطی دیگر پیوسته در حال حرف زدن هستیم.

سکوت از دیدگاه قرآن، اهمیت داشته و یکی از آیات الهی به حساب آمده است. در آیهٔ دهم همین سوره (مریم) اشارهٔ دیگری به اهمیت سکوت دیده می‌شود، آن‌جا که در داستان زکریا (ع) می‌خوانیم:

«هنگامی که مژدهٔ تولد حضرت یحیا در آیندهٔ نزدیک به او داده شد، در حالی که هم خودش پیر و ناتوان بود و هم همسرش نازا، از خداوند تقاضای نشان‌هایی کرد، و به او وحی شد که: نشانهٔ تو آن است که سه شبانه‌روز تمام با مردم سخن نگویی.»

سکوت، نقش بزرگی در تعمیق فکر و بارور شدنِ اندیشه داشته است؛ زیرا سخن گفتن بسیار، نیروی فکری انسان را متلاشی ساخته و تمرکز ذهنیِ او را سلب می‌نماید. ما سخت نیازمندیم تا ساعاتی خود را از پنجهٔ گردونهٔ گردانِ روزگار رها نموده، در کنار اقیانوس ناپیداکنارِ هستی بنشینیم و به موسیقیِ خاموشانهٔ طبیعت گوش فرا داده و خودمان را دریابیم.

رهایی از غوغای دل و دماغ و گریز از هیاهوی جامعه و بالاخره خاموش ساختنِ سخن‌گویان درون و فریادگران بیرون، یکی از مراتب سلوکی عرفانِ جهانی به حساب می‌آید. با درک همین اهمیت است که مولانا این زبان‌آورترین شاعر فارسی‌گوی را که ده‌ها بار خود را «خموش» و «خاموش» خوانده و این واژه را تخلصِ جان و روان خویش قرار داده، می‌توان مدرس مدرسهٔ سکوت دانست؛ مردی که شهکارش را با گل‌واژهٔ «بشنو» آغاز نموده و گفته است:

ای خمشی مغز منی، پردهٔ آن نغز منی
کمتر فضل خمشی، کش نبود خوف و رجا

من نمی‌خواهم عنصر سکوت را بر احکام فقهی روزه بیفزایم، آن‌چه می‌خواهم بگویم این است که سکوت را پیوندی است تاریخی با روزه که نشانه‌های آن را می‌توان در سنتِ اعتکاف نیز مشاهده نمود.

بیایید با استفاده از این مناسبت خجسته، قدمی در جهت احیای سنتِ خاموشی برداریم.

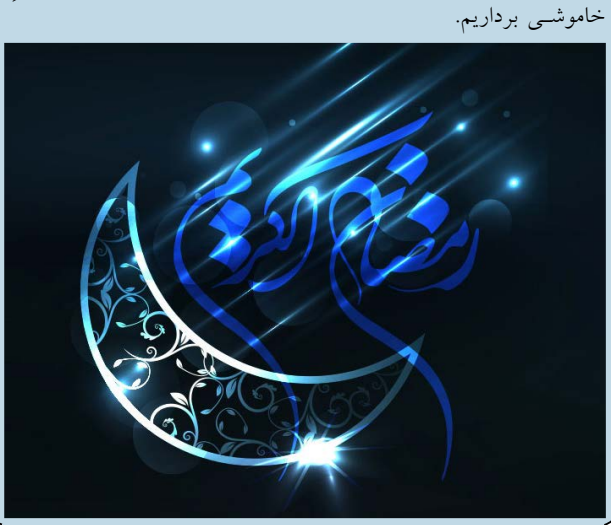

نقد و خوانشی بر «جنگ تریاک»

بخش دوم و پایانی

رحمت‌الله بیگانه

ادبیات پسااستعماری اغلب به نوشته‌هایی می‌پردازد که در برگیرندهٔ موضوعاتی مانند: رهایی از استعمار و کسب استقلال سیاسی و فرهنگی برای مردم است که سال‌ها تحت سلطهٔ قواعد استعماری بوده‌اند. همچنان این ادبیات حاوی دیدگاه انتقادی نسبت به متونی است که لحن نژادپرستانه و استعماری دارد»(٦). فلم جنگ تریاک با نگاه انتقادی به وضعیت پسااستعماری افغانستان نظر انداخته و تصویری که از آن ارایه می‌دهد، در عمق سکانس‌های تکان‌دهنده و تراژید آن نگاه فلسفی به گیرماندن افغانستان در منجلاب وضعیت پسااستعماری گذارکننده به استعمار دیگر می‌انجامد.

کرکتر مرکزی که همان نوجوان باهنر این فلم جذاب است، در آب ایستاده‌یی که کاملاً گل آلود است، آب‌بازی می‌کند. به باور من، آب گل‌آلود ایستاده، ذهنیت‌های عقب‌مانده و آشفته را نشان می‌دهد؛ آبی که حتا برای آب‌تنی مورد استفاده نیست اما از روی ناچاری استفاده می‌شود.

کارگردان آگاه و با درایتِ این فلم، از سمبول‌ها و استعاره‌های فراوانی که معنی و مفاهیم جالبی را تداعی می‌کند، استفاده برده است. خشم و فرهنگِ خشونت در این فلم با شکار پرنده‌یی بی‌موجب نشان داده می‌شود. پرنده‌یی که در شاخ بی‌برگی نشسته است و ترانه می‌خواند، با اولین اصابت سنگی به آب ایستاده افتاده و می‌میرد.

در آن‌سوی دیگر، سربازی که در اثر سقوط چرخبالی زخمی شده است به هوش می‌آید، گژدمی در زمین راه می‌رود، باز لاشخواری در هوا پر می‌زند...

کارگردان مرگ و زندگی را نشانه گرفته که همه در فاصله‌های نزدیک به هم قرار دارند و تنازع بقا در آن‌ها ادامه دارد.

جانب دیگر این صحنه‌ها، دو سرباز سفیدپوست و سیاه خارجی که تازه به هوش آمده اند، به تصویر کشیده می‌شود. سفید به سیاه می‌گوید که همه چیز اینجا سیاه است. کارگردان نشان می‌دهد با وجود این‌که این سربازان متعلق به سرزمینی استند که در آن‌جا دموکراسی حاکمیت دارد، اما ذهنیت‌ها هنوز آمادهٔ پذیرش آن نیست، هنوز فرق بین سیاه و سفید وجود دارد، هنوز رنگ‌ها نشانهٔ برتری‌ست.

پنهان شدن افسر سفید خارجی در زمین کوکنار، در واقع پناه گرفتن قدرت و حمایت نظامی از یک پشتوانهٔ نامشروع و غیرمجاز را نشان می‌دهد.

در صحنه‌ها و برش‌های دیگر این فلم تانکی که خانه است، سرزمینی که گوشه کوچک در آن کوکنار کشت شده است، مرد معیوبی که از این مزرعهٔ غیرمجاز منفعت می‌گیرد و در آن سوی دیگر کسانی از نفع این زمین کوکنار زندگی مرفه و افراد مسلح در خدمت دارد، همه‌اش در این جغرافیای بی‌صاحب و بازیچه رخ می‌دهد.

بی‌پناهی و بی‌سرنوشتی خانواده‌های این سرزمین با فرزندان قد و نیم‌قد، مردی با سه زن جوان درحالی‌که به زنده‌گی هیچ‌کدام آن‌ها به درستی رسیده‌گی کرده نمی‌تواند، لجام‌گسیختگی زنده‌گی ما افغانستانی‌ها را نشان می‌دهد.

برتری‌جویی و سلطهٔ مردانه در ذهن تمام این خانواده تبلور یافته است، حتا پسران کوچک‌شان قیمومیت و حاکمیت خود را بالای زنانی به مراتب بزرگ‌تر از خود دارند. «به قران خدا پوزته میده می‌کنم» این ادبیات و گفتار طفل کوچکی‌ست به زن برادرش. وقتی زنان می‌خندند «خنده نکو که باز در زنجیر سگم بستیت می‌کنم».

بودن قفس گنجشکی در این صحنه، کنایه از اسارت فکری آدم‌ها دارد، آدم‌هایی که از در بند بودنِ دیگران لذت می‌برند.

مسافری از راه می‌رسد، زنان خانواده برای دوستی این پیرمرد معیوب رقابت می‌کنند. از این‌جا به بعد دیگر جنگ در این جغرافیا نمایان می‌شود، گوشه‌یی که مردان زیادی در جنگ‌ها کشته شده اند و مردان پیر و معیوب این دیار از برکت این جنگ خانه‌برانداز صاحب زنان جوان شده اند.

پیرمردی که از مسافرت تازه رسیده است، با دیدن تنبان مرمی‌خوردهٔ خود به خشم آمده و خانوادهٔ خود را تهدید می‌کند. او مرمی خوردن تنبان را شگون بد می‌گیرد. کارگردان در این قسمت خُرده بر مناسبات جاهلانهٔ این سرزمین گرفته و آن را به باد انتقاد می‌گیرد. در قسمت دیگری از این فلم، کارگردان به تاریخ رجوع می‌کند و به عساکر گویا تازه آمده نشان می‌دهد که روزگاری سربازان اتحاد جماهیر شوروی نیز این‌جا بودند.

کرکتر مرکزی فلم از غیرت افغانی صحبت می‌کند و می‌گوید: ما آلت تناسلی آن‌ها را بریدیم، وقتی به سیاه‌سرهای ما نظر کردند. هدف این جوان، سربازان روسی است.

سرباز و افسر خارجی(امریکایی) در فضای تاریک و آرام با هم صحبت می‌کنند. به نظر من، تاریکی کنایه از کارهای مخفی آن‌ها دارد و آرام صحبت کردن‌شان بر مطمین بودنِ آن‌ها دلالت می‌کند.

صحنه‌ها یکی پی دیگر همچو زمان واقعی عوض می‌شوند.

باران شدید جریان دارد، مرد برای همخوابه‌گی با زنان خود دچار مشکل شده است، جای مناسبی وجود ندارد، حالت روحی زن و مرد برهم خورده است. آن‌ها با خشونت و بهانه‌های واهی، اطفال خانواده را از تانک بیرون می‌کنند.

«از میزان گسترش فقر در افغانستان، آمار و ارقام مختلفی وجود دارد. وزارت اقتصاد افغانستان در گزارشی که در سال ۱۳۹۱ خورشیدی به همکاری بانک جهانی تهیه کرده است، میزان فقر را در سال های ۱۳۸٦ و ۱۳۸۷ خورشیدی، ۳٦ درصد عنوان کرده است. بر بنیاد این گزارش ۹ میلیون انسان در افغانستان قادر به رفع نیازمندی‌های اولیهٔ خود نیستند، یعنی ۹ میلیون تن در این کشور مبتلا به فقر مطق اند.»(۷)

کارگردان گوشه‌یی از همین فقر روزافزون را به تصویر می‌کشد؛ وی پرده از روی واقعیت‌های زنده‌گی فقیرانهٔ افغان‌ها برمی‌دارد؛ واقعیتی که کمتر انعکاس یافته است. برای این‌که با خانوادهٔ خود خلوت کند، بهانه می‌آورد و با این نیرنگ طفل‌های خانواده را از خانه بیرون می‌کند.

«برو بچیم بیرون که پدرته جن گرفته»

وقتی مردان مسلح با چادری از گذرگاه‌های امنیتی می‌گذرند، آن‌ها برای برداشت حاصل کوکنار می‌آیند، اما کوکنار حاصل خوب ندارد.

در جایی از صحنهٔ این فلم، افسران خارجی وقتی با اطفال بازی می‌کنند، طفلی از جمع آن‌ها قبرها را به آن‌ها معرفی می‌کند:

این قبر پاکستانی است، این قبر روس و این‌هم قبر طالب است.

من نمی‌دانم کارگردان از این منولوگ چه هدفی را دنبال می‌کند، اما به باور من این حرکت و بیان موضوع، غرور کاذبی بیش نیست. این‌جا کارگردان به چیزی مباهات می‌کند که آدم‌های درون داستانش در آن سهم و نقشی نداشته‌اند.

در فلم جنگ تریاک، قاچاقبران مواد مخدر روی دو هدف ایستاده‌اند:

ـ مواد مخدر

ـ زن

زن جوانی از درد حمل به خود می‌پیچد، اما خانواده‌اش آماده نیست به وی کمک کند. خانواده حالتِ پریشان دارد، زنان یکدیگر خود را طعنه می‌زنند.

تصویر دیگری حکایت از تسلط مرد بر خانواده دارد، طفل ۱۲-۱۳ ساله‌یی مادر خود را تهدید می‌کند و خانه پراز سروصداست.

پراکنده‌گی و فقر از در و دیوار این خانواده می‌بارد؛ فقر زودرس در جامعهٔ در حال جنگ را به خوبی به تصویر می‌کشد.

حالت این خانواده در واقع به افغانستانی می‌ماند که هیچ کس به فکر آبادانی و آرامی آن نیست.

خوابیدن و پناه گرفتن دو افسر خارجی در زمینی که کوکنار کاشته شده، جالب است. کارگردان جنگ تریاک، انتخابات در افغانستان را به استهزا می‌گیرد وقتی که تعداد افراد مسلح که امنیت انتخابات را گرفته‌اند، از تعداد رای دهنده‌گان به مراتب بیشتر است. این‌ها موضوعات جالبی استند که در فلم به تصویر کشیده شده است.

نتیجهٔ انتخابات، طفل ناقص‌الخلقه‌یی است که در میدان انتخابات تولد می‌شود.این تصویر طنز تلخی است پُرمفهوم و تداعی‌کنندهٔ یک نظر و فهم برای شکل‌گیری نظریهٔ انتقادی از وضعیت سیاسی افغانستان. دولت وحدت ملی از دل تقلب و نابسامانی‌های اجتماعی بیرون شد، در واقع کارگردان زیرک و تیزهوش در این فلم پیش‌بینی خیلی خوبی داشته است.

فلم جنگ تریاک صحنه‌های جالبی دارد که گویای حالت و زمانِ خود است و پرداختن به آن‌همه جزییات و برش‌های زیبا و جالب فلم، نوشته را به درازا می‌کشد و ملال‌آور خواهد شد.

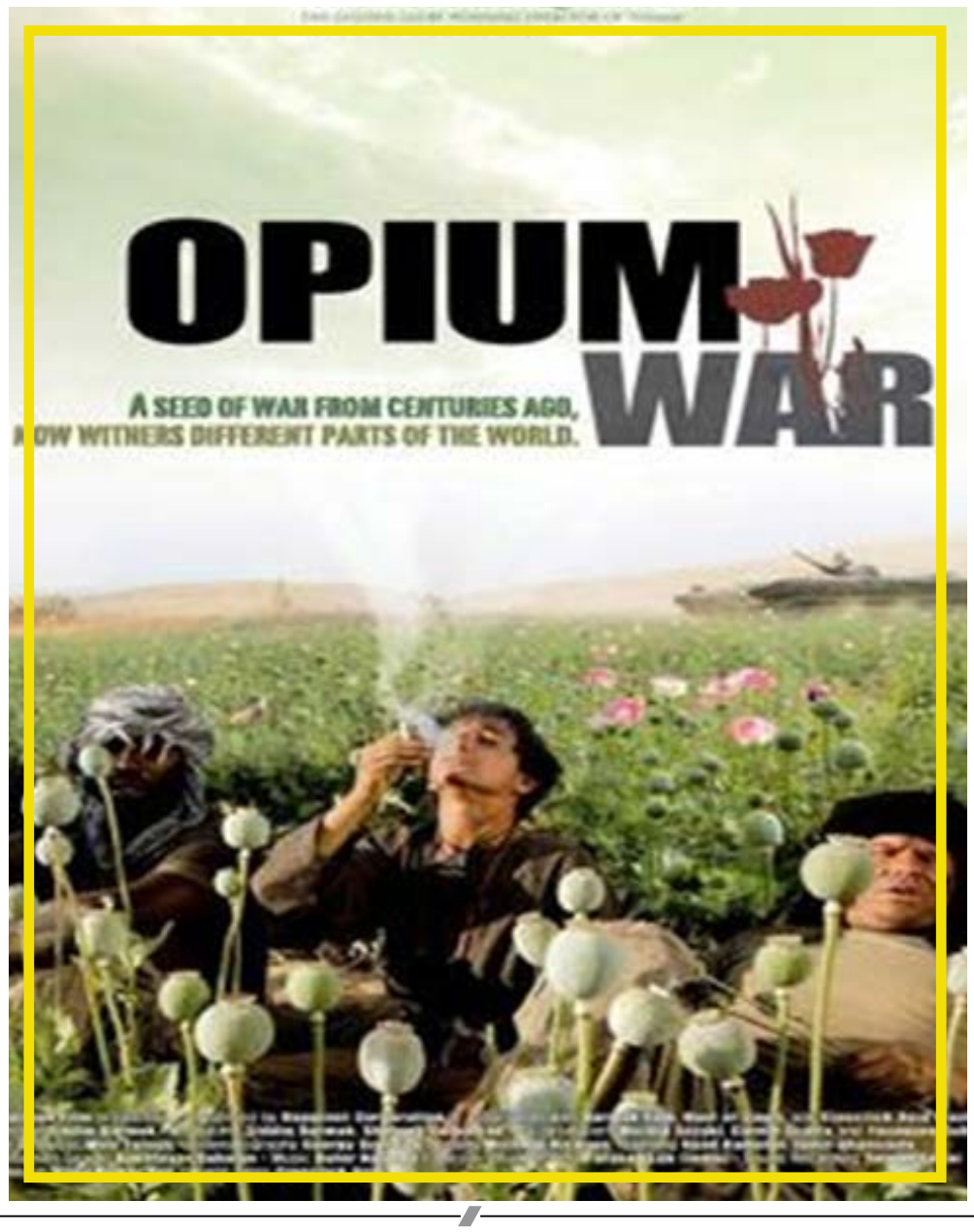

آرایش صحنه‌ها، تمثیل ممثلین، موسیقی حرکات دوربین و ایدتِ فلم خیلی زیبا انجام شده است. موضوع فلم نیز مشکل اساسی افغانستان را نشانه گرفته است. در مجموع جنگ تریاک، همان مواد مخدر و مافیای آن است که در صحنه‌های مختلف به تصویر کشیده شده است.

و اما سناریو در جای‌جای این فلم خالی از مشکل نیست.

به باور من، صحنه‌یی که بعد از حادثهٔ منولوگ جوان با سگش در تصویر می‌آید، با دیگر صحنه‌های جنگ تریاک هماهنگی لازم را ندارد و یا شاید کارگردان خواسته از نظریان پست‌مدرنیزم استفاده کند و آن پیدا شدن کرکتر در لب آب ایستاده‌یی با تن نیمه‌برهنه است.

هرچند نبود امکانات و مشکلات دست‌وپاگیر افغانستان کم نیستند، اما به باور من نباید این فلم بلند و زیبا با چنین نکته‌های ضعیفی همراه می‌شد. ساحهٔ کشت مواد مخدر، ساحهٔ بسیار محدود است، بته‌های کوکنار پرورش چندانی ندارد و زمین این کشت ساحه‌یی کوچک و در مجموع خاره و قابل برداشت است.

یکی از ویژه‌گی‌های این فلم و این سناریو در این است که دو کار متفاوت در این فلم یک‌جا شده است. رابطهٔ مواد مخدر و انتخابات درحالی‌که به نظر گذرا دقیق معلوم نمی‌شود، اما این دو پیوند خیلی جالب و محکمی با هم دارند، اقتصاد مواد مخدر می‌تواند انتخابات را به بیراهه و چالش بکشد.

قطار مواد مخدر در حالی‌که بسیار به مشکل از ساحه عبور می‌کند، اما تغییر چندانی در محموله‌های این آدم‌هایی که مواد را انتقال می‌دهند، مشاهده نمی‌شود. اما این نمادی از مواد مخدر در شکل‌گیری جنگ افغانستان است و این تجارت پُرسود همچنان ادامه دارد.

تصویر دیگری که در آن به باور من مشکلی وجود دارد، آن مسأله در دادن و آتش زدن خانهٔ زنی است که امباق نو دارد.

در تمام تصاویر گذشته، از این خانهٔ آتش گرفته خبری نیست، اما این خانه از کجا شد، این کدام خانه است که آتش می‌گیرد؟

مسالهٔ دیگری که مفهوم رسا نداشت، برداشتن تانکی است که در اصل، خانهٔ ساکنینِ این خانوادهٔ بزرگ در جنگ تریاک است. این خانه بدون موجب و در عین بی‌خبری باشنده‌گانش برداشته می‌شود، و بار دیگر دوباره پایین می‌شود. این‌جا به باور من، برداشتن و دوباره ماندن تانک مفهومی را ارایه نمی‌کند.

نکتهٔ دیگری که از دید من به این فلم زیبا پیوند جالب خورده، انتخابات است. انتخابات پیوند زیرکانه‌یی است که به این فلم جذاب گره شده است.

تریاک پدیدهٔ جنجالی معاصر جهان است که آسیب‌پذیری آن از مرزها گذشته است. این موضوع سوژهٔ جالبی‌ست و اما ای کاش این فلم مانند باقی قسمت‌های آن با سمبول‌ها و نمادهای مواد مخدر پایان می‌یافت.

هرچند بی‌پیامی و چندپیامی، یکی از ویژه‌گی‌های ادبیات معاصر و ویژهٔ رویکرد تازهٔ جهان به نام پست‌مدرنیسم یا فراگرایی است.

فلم جنگ تریاک قابلیت تصویر کردنِ افغانستان در محیط بین‌الملل را دارد و سهم افغانستان در روابط بین‌الملل را با آمدن اتحاد جماهیر شوروی و بعد امریکایی‌ها نشان می‌دهد و بازگو می‌دارد که این کشور ظرفیتِ ادامهٔ جنگ‌های غیرمستقیم قدرت‌های برتر جهان و قدرت‌های رقیب را دارد. نظری که از این فلم به دست می‌آید: افغانستان در عمق روابط بین‌الملل به عنوان نقطهٔ ارضاکنندهٔ عقده‌های قدرت‌های بزرگ برای سال‌ها قرار خواهد داشت.

اما سوال این است که افغانستان می‌تواند از این موقعیت به عنوان یک فرصت استفاده کند؛ چیزی که نویسندهٔ این سناریو به سراغ آن نرفته است.

منابع

۱ـ ویکی پدیا – دانشنامهٔ آزاد؛ ۱۰ ثور ۱۳۹۷
۲ـ ویکی پدیا– دانشنامهٔ آزاد؛ ۱۵ ثور ۱۳۹۷
۳ـ همان؛ ۱٦ ثور ۱۳۹۷
٤ـ همان؛ ۱۷ ثور ۱۳۹۷
۵ـ همان؛ ۱۸ ثور ۱۳۹۷
٦ـ اثر وابستگی بر کشمکش سیاسی، نویسنده محمدرضا طالبان؛ پاییر ۱۳۸۷
۷ـ هفته‌نامهٔ اقتدار ملی؛ دوشنبه ۱۷ ثور ۱۳۹۷

مردم ولایت پروان در یک همایش اعتراضی:

توزیع یکجانبه تذکره شیرازهٔ امنیت وثبات کشور را به هم می‌ریزد

ناجیه نوری

مـردم ولایـت پـروان روز گذشـته یکشـنبه ٦ جوزا/ خـرداد، طـی راه‌پیمایی اعتراضی، سیاسـت حذف هویت و به حاشـیه رانـدن مردمان حوزه شـمالی از سـوی حکومت را به شـدت محکـوم کردند.

در ایـن راه‌پیمایـی مـردم ولایـت پـروان تاکیـد کردنـد کـه هویـت قومـی «افغـان» بـرای تمامی سـاکنان افغانسـتان قابل قبـول نیسـت. آنـان، خواهـان توزیـع شناسـنامه‌های برقـی براسـاس قانـون توشـیح شـده ثبـت و احـوال نفوس شـدند. در ایـن راه‌پیمایـی، عـلاوه بر صدهاتـن از باشـندگان ولایت پـروان، رییـس و شـماری از اعضـای شـورای ولایتـی ایـن ولایـت نیـز حضور داشـتند.

بـه گفتـه اشـتراک کننده‌گان ایـن راه‌پیمایـی، در شـرایطی که افغانسـتان بیش‌تـر از هـر زمان دیگـری به صلح، همزیسـتی مسـالمت آمیـز و ارزش‌های فراگیر و قابل قبـول برای تمامی سـاکنان این کشـور نیاز دارد، حلقات تمامیت خـواه و برتری طلـب در درون و بیـرون حکومت هـر روز با خدعه و نیرنگ تازه‌یـی دسـت می‌زننـد تـا بنیان‌هـای ضعیف و آسـیب‌پذیر همگرایـی در افغانسـتان را تضعیف نمایند.

این اشـتراک کننده‌گان از تاراج رای مردم در انتخابات ۹۳ نیز یـاد کرده بیان داشـتند که بـر مبنای تفکـرات تمامیت‌خواهانه و حذف‌گرایانـه در انتخابـات سـال ۹۳ همه شـاهد بودیم که کشـور تـا لبه پرتگاه بحـران و بی‌ثباتی به پیـش رفت، اگرچه بـا میانجی‌گـری جامعـه بیـن المللـی و امضـای توافـق نامـه تاسـیس دولـت وحدت ملـی بحران سیاسـی ظاهراً بـه پایان رسـید؛ امـا در حالـی کـه در نخسـتین روزهای تاسـیس این حکومـت قانـون ثبـت احوال نفـوس مصوب پارلمان کشـور توسـط رییـس حکومـت توشـیح شـد و قـرار بود تـا مطابق ایـن قانون توزیع شناسـنامه های الکترونیکی آغاز شـود؛ ولی در نتیجـه توطیه‌هـای حلقـات برتری طلـب و تمامیت خواه، رونـد توزیـع شناسـنامه ها به چالش کشـیده شـد تـا اینکه با گرفتن نخسـتین شناسـنامه الکترونیک توسط رییس حکومت وحـدت ملـی بحـران سیاسـی ناشـی از کانون‌هـای توطیه در ارگ و حلقـات پیرامونی آن زبانه کشـید.

آنـان طـی قطعنامه‌یـی تـداوم و پافشـاری ارگ بـرای توزیـع تذکره‌هـای الکترونیکـی را بحـران‌زا خوانده تاکیـد کردند که توزیـع شناسـنامه‌های برقـی براسـاس فرمان تقنینـی می‌تواند بـه بحران‌هـای سیاسـی، اجتماعـی کشـور بینجامد و شـیرازه امنیـت و ثبـات افغانسـتان را بـا فروپاشـی و نابـودی روبـرو سازد.

در ایـن قطعنامـه آمده: از آنجایی که مـا از پیامدهای تحمیل و تعمیـم واژه افغان بالای تمامی اقوام کشـور در شناسـنامه‌های الکترونیکـی آگاهـی داشـته و یک‌دسـت سـازی هویتـی شـهروندان افغانسـتان را بـرای وحدت ملی، ثبات سیاسـی و تمامیـت ارضی کشـور زیان‌بـار و خطرنـاک می‌دانیـم، موارد زیـر را بـه نشـانی رهبری حکومـت وحدت ملـی، جهانیان و مـردم افغانسـان بیـان می‌داریم:

۱- توزیـع تذکـره الکترونیکـی یکـی از نیازهـای جـدی و اساسـی افغانسـتان بـرای پیش‌بـرد روند توسـعه اقتصـادی و اجتماعـی اسـت و بایـد برمبنـای قانـون مصوب سـال ۱۳۹۳ شـورای ملـی افغانسـتان عملـی می‌شـد، امـا گـروگان گیری چهارسـاله ایـن قانـون و تمکیـن ارگ ریاسـت‌جمهوری بـه حلقـات برتـری طلـب و تمامیت خـواه در تحمیـل و تعمیم هویـت قومـی «افغـان» بـرای تمامی سـاکنان افغانسـتان قابل قبـول نیسـت؛ بنابریـن مـا خواسـتار توقـف رونـد توزیـع شناسـنامه الکترونیکـی تـا هنگامـی کـه توافق همگانـی روی ایـن رونـد مهـم ملـی به وجـود بیایـد، می‌باشـیم.

۲- مـا از ریاسـت اجراییـه بـه عنـوان ممثـل رای مـردم بـا جدیـت می‌طلبیم تا به خواسـت نماینده‌گان مردم در شـورای ملـی، نهادهـای جامعـه مدنـی و مردم مبنـی بر توزیـع تذکره الکترونیکـی بر مبنـای قانون ثبت احوال نفوس مصوب سـال ۱۳۹۳ پارلمـان کشـور، بپردازد.

۳- کوچی‌هـا از سـالیان دراز بـه این‌سـو مطابـق رسـم و عنعـه عشایری‌شـان به مناطق شـمالی کشـور به ویـژه ولایت پـروان بـدون هیـچ نوع مشـکلی رفـت و آمد داشـته انـد؛ اما در چنـد سـال اخیـر در حالی که در پروان، کاپیسـا، پنجشـیر و کوهدامـن، هـزاران خانواده بی‌سـرپناه وجـود دارد، حلقاتی در حکومـت به صـورت دوامـدار در تلاش وادار کـردن اداره محلـی پروان بـرای توزیع زمین در بخش‌هایـی از باریک آب و بگـرام و دادن تذکـره تابعیـت از ایـن ولایـت بـه کوچی‌ها برآمـده انـد. از آن‌جایـی کـه بـه نیات شـوم حلقـات تمامیت خـواه و ارگ در پیوندبـه جابه‌جایـی شـمار قابـل توجهـی از کوچی‌هـا در پـروان آگاهـی کامل داریـم، از حکومت مرکزی بـا قاطعیـت می‌خواهیـم تا با اصـرار به این مسـاله بـه بحران و بـی ثباتـی در پـروان و شـمالی دامـن نزننـد، در غیـر آن بـا واکنـش تند مـردم ایـن حوزه روبـه‌رو خواهند شـد.

٤- مـا بـه تحـولات منطقه‌یی در حدی که حسـن همجواری و دیپلماسـی منطقه‌یـی ایجـاب می‌کنـد، اهمیـت می‌دهیـم؛ اما برجسـته کـردن پیوندهای قومـی و تباری با همسـایه‌گان، به‌صورتـی که به تضعیـف بنیان‌های وحدت ملـی، هم‌پذیری اجتماعـی و ثبات سیاسـی کشـور مـا بینجامد، را به‌سـود دوام ثبـات در منطقه و زیسـت باهمی اقـوام باهم برادر افغانسـتان نمی بینیم.

۵- در فرجـام مـا از جامعـه جهانـی و هـم پیمانـان بیـن المللـی مـان می‌خواهیـم تـا بـه روایت یـک جانبـه و تصویر وارونه‌یـی کـه تمامیـت خواهـان و برتـری طلبـان از نشـانی دولت افغانسـتان از وضعیت سیاسـی، فرایندهـای اجتماعی و امنیت و ثبات سیاسـی افغانسـتان ارایه می‌کنند، بسـنده نکنند. تـداوم پافشـاری ارگ برای توزیع یک جانبـه و تعمیم گرایانه تذکـره الکترونیکـی می‌تواند به بحران‌های سیاسـی، اجتماعی بیش‌تـر بی‌انجامد کـه در آن‌صورت حضـور و حیثیت جامعه بیـن المللـی در افغانسـتان بـا پرسـش‌ها و چالش‌هـای جدی روبـرو خواهد شـد.

مـردم پـروان در حالـی در برابـر توزیـع شناسـنامه‌های برقـی براسـاس فرمـان تقنینـی اعتـراض می‌کنند که چنـدی پیش و پـس از آغـاز رونـد توزیع این شناسـنامه‌ها کـه اکنون متوقف شـده، موجـی از اعتراضـات در سراسـر افغانسـتان از جملـه تخار، بلخ، بدخشـان، پنجشـیر،بغلان، کابل و ... شـکل گرفت و حتـا برخـی از ولایت هشـدار دادنـد که اگر شناسـنامه‌های برقـی بـا درج واژه افغـان توزیـع شـود، آنـان خـود مختـاری اعـلام خواهنـد کرد.

تصمیم ادغام مناطق قبایلی...

پاکسـتان تصمیـم ادغـام مناطـق قبایلـی را بـا ایالـت خیبرپختون‌خـوا در حالـی اتخـاذ کـرده اسـت کـه وضعیـت نظامـی در آن مناطـق حاکـم بـوده و «هرگونـه تصمیـم در مناطـق قبایلی بایـد در روشـنی اجمـاع مـردم صـورت گیرد تـا از ارادهٔ آنـان» نماینده‌گـی کنـد.

در اعلامیـه همچنیـن نگاشـته شـده اسـت کـه حکومـت افغانسـتان بـا درک «سیسـتم غیـر انسـانی حاکـم در مناطـق قبایلـی»، تصمیـم یک‌جانبـه در بـارهٔ سـلب خودمختـاری مناطـق قبایلـی کـه «بـدون مشـورهٔ مـردم آن منطقـه و مقامـات افغانسـتان» صـورت گرفتـه اسـت را «راه‌حـل مشـکل» نمی‌دانـد.

از سـویی هـم، حامـد کـرزی، رییـس جمهـور پیشـین کشـور بـا پخـش اعلامیه‌یـی ضمـن ظالمانـه خوانـدن ایـن تصمیـم امـا گفتـه اسـت کـه ادغـام مناطـق قبایلـی بـا ایالـت خیبرپختون‌خـواه باعـث تأثیـرات مثبـت روی زنده‌گـی روزمـرهٔ باشـنده‌گان ایـن مناطـق می‌گـردد.

در عیـن حـال، بـه دعـوت نخسـت‌وزیر پاکسـتان، یـک هیـأت بلندپایـهٔ نظامـی افغانسـتان بـه ریاسـت محمـد حنیـف اتمـر، مشـاور امنیـت ملـی افغانسـتان دیـروز یکشـنبه، ٦ جـوزا بـه اسـلام‌آباد سـفر کـرد.

در خبرنامـهٔ ارگ ریاسـت جمهـوری آمـده: «نخسـت‌وزیر پاکسـتان در یـک دعـوت رسـمی از رییـس جمهـور غنـی خواسـته کـه یـک مقـام ارشـد امنیتـی افغانسـتان بـه منظـور گفتگـو در مـورد حـل مشـکلات امنیتـی افغانسـتان و پاکسـتان و همچنـان منطقـه، بـه اسـلام‌آباد سـفر کنـد».

براسـاس ایـن خبرنامـه، یـک هیـأت بلندپایـهٔ نظامـی بـه ریاسـت محمـد حنیـف اتمـر دیـروز بـه پاکسـتان رفتـه و در آن‌جـا بـا رییـس سـتاد ارتـش و برخـی دیگـر از مقام‌هـای امنیتـی پاکسـتان در مـورد مسـایل امنیتـی گفتگـو می‌کننـد. اسـامبلهٔ قومـی پارلمـان پاکسـتان روز پنجشـنبه هفتـهٔ گذشـته در یـک اقـدام بی‌سـابقه بـا ۲۲۹ رأی موافـق و ۲۹ رأی مخالـف، مسـودهٔ قانونـی ادغـام مناطـق قبایلـی «فاتـا» را بـا ایالـت خیبـر پشـتون‌خوا تائیـد کـرد.

براسـاس موافقـهٔ صـورت گرفتـه میـان حاکمـان وقـت هنـد بریتانـوی و افغانسـتان، در امتـداد خـط دیورنـد هفـت «قبایـل اجنسـی» در تنظیـم امـور خویـش، بایـد تـا انـدازهٔ مسـتقل باشـند.

بربنیـاد ایـن موافقـه، مناطـق قبایلـی، منطقـهٔ آزاد خوانـده می‌شـود و حکومـت بـا اسـتفاده از نظـام فدرالـی، ایـن مناطـق را اداره می‌کنـد کـه در امـور داخلـی خویـش اسـتقلال دارنـد.

حکومـت افغانسـتان، در مـورد خـط دیورنـد بـا پاکسـتان اختـلاف دارد و آن را نمی‌پذیـرد، امـا پاکسـتان ایـن خـط را سـرحد میـان دو کشـور می‌خوانـد و هرنـوع بحـث در ایـن مـورد را پایـان یافتـه می‌دانـد.

دخالت افغانستان در امور پاکستان

پـس از پخـش اعلامیـه ارگ ریاسـت حکومـت وحـدت ملـی، وزارت خارجـهٔ پاکسـتان می‌گویـد کـه افغانسـتان در امـور داخلـی پاکسـتان مداخلـه نکنـد.

محمـد فیصـل، معـاون سـخنگوی وزارت امورخارجـه پاکسـتان خطـاب بـه دولـت افغانسـتان گفتـه اسـت کـه باید اصـول عـدم مداخلـه و روابـط دوجانبـه را در نظـر بگیـرد.

روز پنج‌شـنبه هفتـه گذشـته، پارلمـان پاکسـتان بـه طرحـی رأی تأییـد داد کـه مناطـق قبایلـی را کـه پیـش از ایـن بـه شـکل فدرالـی و خودمختـار اداره می‌شـد، بـا ایـالات خیبرپشـتون‌خواه آن کشـور یک‌جـا می‌کنـد.

بـر اسـاس توافـق صـورت گرفتـه میـان حاکمـان وقـت هند بریتانـوی و افغانسـتان در معاهـده دیورنـد، هفـت قبایـل اجنسـی در تنظیـم امـور خویـش بایـد تـا اندازه‌یـی مسـتقل باشـند و حکومـت بـا اسـتفاده از نظـام فدرالـی، ایـن مناطـق را اداره می‌کنـد.

رونـد ثبت نـام رأی دهنـدگان...

دهندگان در مراکز ولسوالی‌ها تمدید نمی‌شود.

او کـه در نشسـت اسـتجوابیه مجلـس سـخن مـی‌زد گفـت کـه کمیسـیون مسـتقل انتخابـات بـه دلایـل تهدیـدات امنیتـی و نبـود بودجـه کافـی، قـادر نیسـت تـا رونـد ثبـت نـام رای دهنـدگان در مراکـز ولسـوالی‌ها را تمدیـد کنـد.

کمیسـیون انتخابـات در حالـی ایـن تصمیـم را اعـلام می‌کنـد، کـه یـک عضـو مجلـس نماینـدگان می‌گویـد کـه هنوزهـم بسـیاری از مـردم در ولسـوال‌های کشـور در رونـد انتخابـات ثبـت نـام نکردنـد.

نادرشـاه بحـر نماینـده مـردم غـور در مجلـس نماینـدگان می‌گویـد کـه مـردم بـه مراکـز ثبـت نـام رای دهنـدگان کم‌تـر مراجعـه می‌کننـد و کمیسـیون انتخابـات بایـد مـدت ثبـت نـام رای دهنـدگان را تمدیـد کنـد تـا آنـان از حـق شـان محـروم نشـوند.

همزمـان بـا ایـن، تیفـا یـا بنیـاد انتخابـات شـفاف افغانسـتان از کم‌رنـگ بـودن حضـور مـردم در رونـد ثبـت نـام رای دهنـدگان ابـراز نگرانـی کـرده می‌گویـد کـه ایـن موضـوع در زمینـه مشـروعیت و شـفافیت انتخابـات مهـم اسـت.

نعیـم ایـوب زاده رییـس ایـن نهـاد در گفتگـوی بـا خبرگـزاری جمهـور از کمیسـیون انتخابـات خواسـت تـا بـرای آگاهـی دهـی و اعتمـاد سـازی اگـر ممکـن اسـت رونـد ثبـت نـام رای دهنـدگان را تمدیـد کنـد.

آقـای ایـوب زاده تصریـح نمود:»پیشـنهاد مـا ایـن بـوده کـه اگـر ممکـن اسـت، رونـد ثبـت نـام رای دهنـدگان تـا نزدیک‌هـای روز انتخابـات ادامـه داشـته باشـد تـا فرصتـی ایجـاد شـود بـرای ثبـت نـام و تشـویق مـردم و در کنـار ایـن کـه پروسـه ثبـت نـام ادامـه داشـته باشـد، کارهـای آگاهـی دهـی و اعتمـاد سـازی وجـود داشـته باشـد... نگرانـی از کمرنـگ بـودن مـردم وجـود دارد و اگـر قـرار باشـد ایـن گونـه ادامـه داشـته باشـد، خیلـی دشـوار خواهـد بـود کـه یـک انتخابـات سرتاسـری برگـزار شـود.»

وی بـا اشـاره بـه آمـار ثبـت نـام رای دهنـدگان از کمیسـیون انتخابـات خواسـت تـا بـرای ارایـه آمـار دقیـق از رونـد ثبـت نـام رای دهنـدگان بایـد، بانـک اطلاعاتـی را ایجـاد کنـد. آقـای ایـوب زاده از جامعـه جهانـی نیـز خواسـت تـا در ایـن زمینـه کمیسـیون انتخابـات را همـکاری کنـد، تـا مـردم افغانسـتان شـاهد برگـزاری انتخابـات شـفاف باشـند.

فیسبوک نامه

حمید حبیب‌زاده

تا چند سال قبل کسی با صراحت نگفته بود که «من افغان نیستم، بلکه من خراسانی هستم»؛ ولی سیاست‌مداران پشتون زمینه را برای تاجیکان پنجشیر، بدخشان، تخار و بقیه ولایت‌های کشور فراهم کردند تا بگویند «ما خراسانی هستیم». همین‌طور هیچ کس افغانیت را «ننگ» نمی‌دانست، اکنون فرصت مناسبی برای مخالفان دست داده است تا بگویند: «افغان بودن برای ما ننگ است».

این وضعیت حاصل شیوهٔ غلط سیاست‌ورزی و زیاده‌خواهی بی‌رویهٔ سیاست‌مداران پشتون است. در قلم‌رو مشترکی به نام افغانستان که قرار است همهٔ ما یک‌جا زنده‌گی کنیم، شاد باشیم و با هم برادر باشیم، هر مبحث مردمی و کلانِ ملی باید با مشوره و رأی مردم و بزرگان حل و فصل شود. تحمیل کردن امری، فاجعه در پی دارد، شکاف‌ها را وسعت می‌دهد، فاصله‌ها را زیاد می‌کند و وجه افتراق ما را فزونی می‌بخشد. هیچ دیدگاهی را نمی‌توان از صحنه خارج کرد. هیچ‌کس حق بستن زبان کسی را ندارد. در یک جامعه با سیستم دموکراتیک، همه‌گی حق حیات دارند. در «جهانِ زیستی» که بایست دور از مداخلهٔ مستقیم حکومت‌ها باشد، تمام ارزش‌ها، زبان‌ها، هویت‌ها، نظریه‌ها و... حق حیات و ادامه دادن دارند.

تاریخ معاصر کشور عزیز ما شهادت می‌دهد که تک‌گویی، تمامیت‌خواهی و بی‌اعتنایی به قدرت مردم، مصیبت‌آفرین بوده است. یک جامعهٔ دموکراتیک بر دیالوگ، مذاکره، بحث و مدارا استوار است. خود رایی، سخت‌سری و اعتماد به بیگانه‌گان به جای خودی‌ها، هیچ‌گاه راه‌حل نبوده و اکنون نیز راه‌حل نیست. سلامت کشور و جامعهٔ ما به تفاهم بسته‌گی دارد، نه به تقابل. آفت تقابل را همه تجربه کرده اند و ضرر این آفت بیشتر از همه به پشتون مظلوم پکتیا، پکتیکا، هلمند، و... رسیده است. همه‌گی باید برای رسیدن به وحدت ملی واقعی تلاش کنیم و نتیجهٔ مثبت این تلاش به این وابسته است که همه را با ویژه‌گی‌ها و اصالت خودشان قبول کنیم.

دستگیر روشنیالی

حکمونه او واقعیتونه

حکمونه: «خدای نارینه په بخت پیدا کړی»، «نارینه قوی دی»، «نارینه هوشیار دی»، «نارینه د اداري او د میراث خاوند دی...»، «ښځه کمزوري ده»، «ښځه عاجزه ده»، «ښځه بې‌عقله ده»، «ښځه ناقص‌العقل ده»، «ښځه، د ښځې نوم او هویت یوازې له سړی سره په رابطه کې تعریف کیدای شي»، «د ښځې دنده د اولادونو زیږول، لویول او ځای یې کور دی او که د باندې ځي باید په کځوړه کې ولاړه شي» «د دواړو کورنۍ او ټولنې اداره کول د نارینه دنده دی او نارینه د قدرت سمبول دی».

واقعیتونه:

ښځه ملکه ده، ښځه ریس جمهور دی، ښځه صدراعظمه ده، انګیلا مرکیل یوه اتیا میلیونې ټولنې اداره کوي، ښځه وزیره ده، ښځه رهبره ده، ښځه ډاکتره او ښوونکې ده، ښځه حقوق پوه او سیاست کونکې ده، ښځه انجینیر او مهندسه ده، ښځه لیکواله او شاعره ده.... د ښځې دا هره یوه ځانګړتیا دنارینه سالاري په سیستم او په جنسي اپارتاید وروستي ماتونکي ګذارونه دي او مور دي ته اړ باسي چې د ښځې واقعیت درک او درناوی یې وکړو.

فهیم دشتی

که زه وایم چې زه یم او ته وایې چې زه یم
نه به ته یې ، نه به زه یم
که ته وایې چې ته یې او زه وایم چې ته یې
هم به زه یم، هم به ته یې

اینجا می‌خواهم روی بخش عدالت‌خواهی تأکید کنم

در روزهای گذشته، شماری از دوستان در پیوند به پیام «تفکر عدالتخواهانهٔ ضد تبعیض و تعصب» با اشاره به تعصباتی که حلقات خاصی در درون و بیرون حکومت، اعمال می‌کنند، نقد کرده بودند که در چهارچوب تعصب و تبعیض‌زادیی، چگونه واکنشی به این برخوردهای تعصب‌آمیز باید داشت و آیا حتماً در برابر آن سر خم کنیم؟ یا این‌که ارباب تعصب، زبانی غیر از تعصب را نمی‌دانند و باید با آن‌ها به همان زبان، سخن بگوییم؟ به هیچ روی چنین نیست. آمرصاحب شهید چنان‌چه قبلاً اشاره شد، «تعصب قومی را برابر به شرک» می‌دانست؛ اما همزمان، با تمام نیرو به دنبال عدالت اجتماعیِ بود و در حالی که آیندهٔ روش این سرزمین را در وحدت همهٔ اقوام می‌دانست «وحدت ملی را در عدالت اجتماعی» قابل تحقق می‌خواند و برای تحقق این امر مبارزه می‌کرد.

به این ترتیب، تلاش برای تعصب‌زدایی به معنای زیر بار تعصب رفتن، یا چنان‌چه، برخی از سیاسیون در سال‌های گذشته مرتکب شده اند «معامله‌گری» نیست. برای عدالت اجتماعی باید مبارزه کرد و در این مبارزه تا پایان، پیش باید رفت، اما این مبارزه نباید با حربهٔ تعصب به پیش برده شده یا بر بنیاد تعصب بنا یابد. البته این مسیر، هموار و بدون مانع و خطر نیست؛ ولی به گفتهٔ معروف: «کوه هر قدر بلند باشد، بر سر خود راه دارد.»

پیامدهای درگیری احتمالی امریکا و اسراییل با ایران

عزیز آریانفر

در گام نخست باید دید که امریکا از به راه‌اندازی کارزار گستردهٔ ایران‌هراسی چه اهدافی را تعقیب می‌کند؟ اهداف روشن است: چاپیدن شیوخ عرب و فروش جنگ‌افزارهای کهنه و از رده خارج شده به بهای صدها میلیارد دالر به شیوخ. همان‌گونه که در بحران مصنوعی کوریا، امریکا توانست با کارچاق‌کنی و بزرگ‌نمایی میلیاردها دالر جنگ‌افزار به کوریای جنوبی و جاپان بفروشد و قراردادهای حضور پایگاه‌ها خود را با هزینهٔ این دو کشور تمدید کند، این بار نیز عین قضیه است.

گمان نمی‌رود امریکا سر کدام برخورد رویارو با ایران را داشته باشد؛ زیرا امریکا انگشت‌های آسیب‌پذیر زیادی در منطقه دارد و به هیچ رو به سودش نیست با ایران وارد جنگ شود. به چند دلیل امکان جنگ مستقیم نیست:

۱- ایران می‌تواند در صورت در گرفتن جنگ، به راحتی پایگاه‌های امریکا در افغانستان از جمله در سبزوار یا شیندند، هلمند، هرات، قندهار و حتا بگرام را موشکباران و نابود کند و در صورت لزوم، اشغال ولایات غربی ما برای ایران مشکل بزرگی نیست.

۲- محدودیت‌های عملی امریکا. امریکا نمی‌تواند ناوهای جنگی و زیردریایی‌های خود را وارد خلیج پارس بسازد؛ زیرا در این صورت این ناوها و زیردریایی‌های چند میلیارد دالری با نیروی انسانی بزرگ در تیررس مستقیم موشک‌ها، قایق‌ها و زیردریایی‌های ایرانی قرار می‌گیرند. استقرار ناوها و زیردریایی‌ها در فواصل بیشتر از ۵۰۰ کیلومتر، دست‌های امریکا به حمله بر ایران را می‌بندد، زیرا برد هواپیماهای مستقر به روی ناوهای هواپیمابر بیش از ۵۰۰ کیلومتر نیست. موشک‌های دریا به زمین هم نمی‌توانند از فواصل دور همه اهداف را در خاک ایران هدف قرار دهند.

۳- به محض حملهٔ امریکا، ایران بی‌درنگ جنگ را منطقه‌یی خواهد ساخت. به این معنا که بی‌درنگ همه تأسیسات نظامی و نفتی عربستان، بحرین، امارات، کویت و قطر را در هم خواهد کوبید. این به معنای بالا رفتن سرسام‌آور بهای نفت در جهان می‌شود که تنها به سود روسیه است. در پهلو آن، خطر تلفات جانی در میان امریکایی‌ها و سایر شهروندان کشورهای ناتو بسیار بالا است. به ویژه این‌که شمار بسیاری از پایگاه‌ها و نیروهای امریکایی در قطر، عربستان، بحرین و سایر کشورهای عربی مستقر هستند. هرگاه زنده‌گی اگر نه صدها هزار، دست‌کم ده‌ها هزار جهان‌گرد غربی در کشورهای عربی با خطر جدی روبه‌رو خواهد شد.

٤- ایران بی‌درنگ به اسراییل حملهٔ موشکی خواهد کرد. اسراییل توان حملهٔ متقابل بر خاک ایران را ندارد، زیرا باید هواپیماهای آن کشور، ۳۰۰۰ کیلومتر رفت و برگشت کنند و از فراز ترکیه یا اردن و عربستان، یا سوریه و عراق بگذرند. روشن است سوریه و ترکیه اجازه نمی‌دهند، اما عبور از خاک هر کشور دیگری که به اسراییل اجازه بدهد، برای آن کشنده خواهد بود. سوریه و عراق اجازه نمی‌دهند و اگر اردن اجازه بدهد، عمان هدف موشک‌های ایرانی قرار خواهد گرفت. گذشته از این‌ها، اسراییل باید دست‌کم با ۲۰ فروند هواپیمای بمب‌افکن و ۱۰۰ فروند هواپیمای شکاری حمله کند، اما با توجه به داشتن تنها ۵ فروند هواپیمای سوخترسان عملاً توان این کار را ندارد؛ زیرا باید برای هواپیماهای خود در آسمان کشورهای دیگر سوخت‌رسانی کند. برای این کار به ۵۰ فروند هواپیمای سوخت‌رسان نیاز است. چنین توانی را تنها امریکا و روسیه دارند. اوضاع در صورتی فاجعه‌بار خواهد شد که ایران بتواند هواپیماهای سوخت‌رسانی اسراییل را بر فراز عراق یا حتا عربستان سرنگون کند.

جنگ می‌تواند به یک فاجعهٔ تمام‌عیار مبدل گردد، هرگاه موشک‌های ایرانی به تأسیسات هسته‌یی اسراییل اصابت کنند. این دیگر پایان موجودیت اسراییل خواهد بود. در این صورت، امکان حملهٔ هسته‌یی امریکا به ایران بالا می‌رود. فراموش نشود که کوریای شمالی نیز باری اسراییل را تهدید کرده بود که اگر به اندیشهٔ حملهٔ هسته‌یی به ایران بیفتد، موشک‌های او اسراییل را از صفحهٔ جهان محو خواهند کرد.

۵- در صورت بروز جنگ، حملهٔ موشکی حزب الله و سوریه بر اسراییل، اجتناب‌ناپذیر است. روشن است که اسراییل خواستار چنین چیزی نیست. حزب الله و سوریه چیزی برای از دست دادن ندارند، اما حملهٔ متقابل اسراییل به سوریه می‌تواند ناخواسته پای روسیه را هم به جنگ بکشاند که برای اسراییل بسیار خطرناک خواهد بود.

٦- پایگاه‌های امریکا در بحرین و قطر از نخستین اهداف موشک‌های ایران خواهند بود که تلفات سنگینی برای امریکایی‌ها در بر خواهد داشت.

۷- هر گونه حمله به ایران، تلفات جانی سنگینی برای ایرانیان خو اهد داشت. ایران، افغانستان یا عراق و یمن نیست. در آن صورت، هیچ امریکا در هیچ نقطهٔ جهان امن نخواهد ماند و سرتاسر جهان برای امریکایی‌ها و تأسیسات امریکایی ناامن خواهد شد. فشردهٔ همه تأسیسات امریکایی اعم از نظامی و غیر نظامی، آماج حملات ایران قرار خواهد گرفت.

۸- هرگاه ایران اقدام به اشغال بخشی از خاک افغانستان کند، ارتش ملی فلج است و کاری نمی‌تواند بکند؛ اما برای امریکایی‌ها از دست دادن شیندند، هلمند و هرات و قندهار و نابودی بگرام، آبروریزی بزرگی خواهد بود.

۹- در فرجام، مسألهٔ بسیار خطرناکِ پایگاه انجرلیک ترکیه است که مربوط ناتو می‌باشد و ۹۰ بمب هسته‌یی در آن استقرار دارد و شمار بسیاری از هواپیماها و نیروهای ناتو از جمله آلمان در آن مستقر اند. ترکیه اجازهٔ حمله به امریکا از این پایگاه را نمی‌دهد، اما ایران صددرصد به این پایگاه حمله خواهد کرد.

هر گونه حملهٔ ایران بر انجرلیک، تلفات نیروهای فرانسه، آلمان و سایر اعضای ناتو را در پی دارد که بسیار خطرناک است. خطر آن گاه به فاجعه تبدیل خواهد شد هرگاه به سلاح‌های هسته‌یی مستقر در انجرلیک آسیب برسد. در آن صورت، ممکن است جنگ از کنترل خارج شود و پای ترکیه و ناتو را هم بکشاند.

۱۰- یکی از بزرگترین اهرم‌های ایران، بستن تنگهٔ هرمز است که می‌تواند جریان نفت از عربستان، کویت، بحرین و عراق را به بازارهای جهانی برهم بزند و این امر موجب بالارفتن بهای نفت در جهان می‌شود که به سود روسیه خواهد انجامید.

۱۱- بی‌چون و چرا، پاکستان در این جنگ بی‌طرف خواهد ماند و در جریان جنگ، خاک خود را به روی امریکایی‌ها خواهد بست. در این صورت، اگر جنگ به درازا بکشد، همه نیروهای امریکایی و ناتو در افغانستان با خطر بسیار بزرگی روبه‌رو خواهند شد.

۱۲- ایران ویران و ضعیف، صددرصد به سود روسیه و زیان امریکا است. امریکا هیچ سودی از این جنگ نخواهد برد.

۱۳- در یک سخن، هدف اصلی امریکا، چاپیدن شیوخ عرب است که به این هدف صددرصد می‌رسد. چندی پیش ترامپ اعلام کرد که امریکا در خاورمیانه ۷ تریلیون مصرف کرده و هیچ چیزی به دست نیاورده است. حالا هم جنگ بر سر لحاف ملا نصرالدین است. از قدیم‌ها گفته اند: «تا احمق در جهان است، مفلس در نمی‌ماند». تا شیوخ عرب هستند، نان امریکایی‌ها در روغن تر خواهد بود.

اما اعمال تحریم‌های شدیدتر مالی، اقتصادی و فشار بر همکاران غربی به منظور وارد آوردن فشار، منتفی نیست. در نهایت، اگر اعراب چند میلیارد دالر به امریکا بدهند، احتمال موشکباران پایگاه‌های ایران در سوریه با توافق روسیه محتمل‌تر به شمار می‌رود، اما احتمال حملهٔ امریکا به ایران با اطمینان بسیار بالا منتفی است. در هر صورت، بزرگ‌ترین بازنده، افغانستان خواهد بود؛ زیرا به هر پیمانه‌یی که روابط ایران و امریکا خراب‌تر شود، تأثیرات منفی آن را در افغانستان خواهیم دید. افغانستان همین اکنون درگیر جنگ فرسایشی درازمدت و بسیار خطرناک با پاکستان است. هر گونه وخیم شدن اوضاع در غرب، صددرصد به سود پاکستان است، زیرا می‌تواند به آسانی نفوذ خود را در شرق و جنوب و حتا شمال نیرومندتر سازد.

در یک سخن، جنگِ چند جبهه‌یی برای دولت غنی بسیار خطرناک است. با این هم او این گزینه را برگزیده است، تا دیده شود چه خواهد شد. شخصاً من آیندهٔ کشور را با سیاست‌های خام ارگ بسیار وخیم می‌بینم. ترس من از این استَ که در اثر سیاست‌های خام اشرف غنی، ما زیر پا نشویم.

شمار بسیاری از کارشناسان مسایل استراتیژیک که در عرصهٔ «استرافور» یعنی پیش‌گویی‌های راهبردی کار می‌کنند؛ سناریوهای محتمل جنگ امریکا و ایران را به بررسی گرفته اند. در چنین مسایل باید پتنسیال‌های بالقوهٔ دو طرف، اهداف سیاسی، نظامی و اقتصادی، سود و زیان دو طرف و پیامدهای محتمل اقدامات نظامی به سنجش گرفته شوند. غربی‌ها مردم بسیار پراگماتیک و رئالیست هستند. منافع شان برای شان در اولویت قرار دارد. باید مخاطرات جدی جنگ را در نظر داشت. اسراییل ۲۰۰ کلاهک هسته‌یی و چندین کارخانهٔ هسته‌یی دارد. نباید فاجعهٔ چرنوبل اوکراییین را فراموش کرد. اصابت موشک‌های ایرانی به سایت‌های هسته‌یی اسراییل، فاجعه بزرگی را برای سرتاسر خاورمیانه به بار خواهد آورد.

در یونان، قبرس و ترکیه هم پایگاه‌های ناتو استقرار دارند که در همه جنگ‌افزارهای هسته‌یی استقرار دارد و همه در تیررس موشک‌های ایرانی هستند. سامانهٔ دفاع هوایی پاتریوت امریکایی نسبت به سامانه‌های اس ۳۰۰ و اس ٤۰۰ روسی بسیا ناکارا هستند و توان ایستاده‌گی در برابر موشک‌های فزون‌شمار ایران را که تعداد آن به هزاران می‌رسد، ندارند.

نباید از یاد برد که ایران، زرادخانهٔ نیرومند شیمیایی هم دارد که کمتر از جنگ‌افزارهای هسته‌یی نیست. این برای آن عده از هم‌میهنان خوش‌باور نوشتم که در زیر تأثیر جو تبلیغات شبکه‌های صهیونیستی، وهابی، پان‌ترکی و افغان‌ملتی شب و روز در اندیشهٔ نابودی ایران به دست امریکا و اسراییل هستند. غافل از این‌که در چنین جنگی، بیش از همه کشور ما زیان خواهد دید و به میدان جنگ مبدل خواهد شد. همان‌گونه که گفتم، هدف امریکا فروش جنگ‌افزاهای بیشتر به شیوخ نادان عرب است و برای این کار، کارزار گسترده‌یی را به راه خواهند انداخت و بس. درست مانند مسألهٔ کوریا.

صاحب امتیاز: احمد ولی مسعود
مدیر مسؤول: نظری پریانی – ۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲
nazari.paryani@yahoo.com
ویراستار: روح الله یوسف زاده
مدیر خبر: مجتبی امیری
گزارشگران: ناجیه نوری، هارون مجیدی، ابوبکر صدیق و روح‌الله بهزاد
برگ آرایی: مجیب‌الله احمدی– ۰۷۹۵۰۶۷۴۶۳

نشانی برقی: mandegar.daily@gmail.com وب سایت: www.mandegardaily.com
شماره تماس: ۰۷۵۲۰۴۴۲۱۰
مسؤول توزیع: نادری – ۰۷۴۴۶۰۰۶۳۰
نشانی: سرک ۱۳ وزیراکبرخان، کوچه چهارم دست چپ
به جز «سخن ماندگار» مسؤولیت دیگر نبشته‌ها به نویسنده‌گان برمی‌گردد.
چاپ: مطبعه امام – ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

Year 10 NO 2273 Monday 28 May 2018

DAILY
Mandegar

اصلاحات بن‌سلمان به کجا انجامید؟

سایمون هندرسون/ پایگاه اینترنتی آتلانتیک

«بازداشت فعالان فمنیست (فعال حامی حقوق زنان)، اصلاحات جنجالی محمد بن سلمان در عربستان را فرو می‌نشاند.»

چند ماه است که عربستانی‌ها شاهد طوفان در عرصه روابط عمومی در این کشور بوده‌اند.

محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان با دیدگاهش درخصوص یک ملت مدرن جدید، توجه جهان را به خود جلب کرد. در این کشور کنسرت‌های زنده برگزار شد، سینماها گشایش پیدا کردند و خیلی اتفاقات دیگر برنامه‌ریزی شد. زنان می‌توانند در بازی‌های فوتبال جزو تماشاچیان باشند. سپتامبر گذشته محمد بن سلمان قول جسورانه‌ای برای لغو ممنوعیت رانندگی برای زنان در عربستان را داد که این قول قرار است از ۲۴ جون عملی شود.

با این حال اواخر جمعه همه این لذت‌ها به یکباره رنگ باخت. گزارش‌هایی منتشر شد مبنی بر اینکه فعلان حقوق زنان در عربستان که به دنبال تغییر سیاست‌ها بودند بازداشت شده و به زندان افتادند. تا صبح امروز گزارش شده که ۱۳ نفر دستگیر شده‌اند.

اکثر آنها زن هستند. به غیر از مساله رانندگی، آنها علیه قانون اجبار به گرفتن رضایت مردان محرم درخصوص بسیاری از تصمیم‌های زنان عربستانی در زندگی نظیر مسافرت تبلیغ می‌کردند.

یکی از این بازداشت شده‌ها «لجین الهذلول» بود که در سال ۲۰۱۶ در اجلاسی به نام اجلاس یک جهان جوان، عکسی را گرفت که در آن هیچکس دیگری بجز «مگان مارکل» که اخیرا با شاهزاده هری، شاهزاده بریتانیایی ازدواج کرد، نبود.

در عربستان چه اتفاقی در حال رخ دادن است؟ محمد بن سلمان ممکن است بخواهد جلوی اعتراضات مردمی که به دنبال تغییرات سیاسی یا اجتماعی بیشتر هستند را بگیرند. (در جریان تعطیلات آخر هفته یک مقام آمریکایی به من گفت این بازداشت‌ها در عربستان نشان دهنده سبک عملکرد شخصی این شاهزاده هستند حتی اگر که نام او به طور علنی با آنها مرتبط نباشد).

اصلاحات او همواره این احتمال را داشت که مخالفان را در داخل جامعه مردسالار عربستان که از تفسیر سفت و سختی از اسلام تبعیت می‌کند تحریک کند. این نیاز آشکار برای بازداشت زنان فعال حاکی از آن است که محمد بن سلمان مجبور شده دوباره در طرح‌های بزرگش بازاندیشی کند.

در عربستان برخی محمد بن سلمان را با صدام، دیکتاتور کشته شده عراق تشبیه می‌کنند. آنها اغلب از او با عنوان «صدام خوب» یاد می‌کنند که به عنوان معاون رئیس‌جمهور، یکی از نیروهای محرک مدرنیزه سازی عراق در دهه ۱۹۷۰ بود و اینکه در آن زمان صدام به رغم بی رحمی، مورد احترام قرار داشت. با این حال او در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ شروع به رعب افکنی گسترده کرد. من با عربستانی‌هایی که نگران هستند محمد بن سلمان از این روش پیروی کند، صحبت کرده‌ام.

یک روایت درباره محمد بن سلمان که هر سفیری در ریاض می‌گوید روایت «گلوله» است. هنگامی که محمد بن سلمان ۲۲ سال داشت (حدودا ۱۰ سال قبل) می‌خواست یک تجارت به راه بیندازد. در یک موقعیتی نیاز داشت که یک قاضی عربستانی یک سندی را برای او امضا کند اما این قرادا مشکلی داشت بنابراین قاضی از این کار سر باز زد.

براساس این ماجرا محمد بن سلمان یک گلوله از جیبش بیرون کشید و روی میز این فرد گذاشت و به او گفت یا شما این را امضا می‌کنید یا این نصیب شما خواهد شد. این مرد قرارداد را امضا کرد اما بعدا شکایت محمد بن سلمان را نزد ملک عبدالله، پادشاه آن زمان مطرح کرد و او حضور محمد بن سلمان در دربار سلطنتی را ممنوع کرد.

این داستان‌ها و نگرانی‌ها درباره محمد بن سلمان نشان دهنده چهره نوظهوری در سلطنت عربستان است که کم طاقت بوده و به دنبال تغییرات عجولانه در این کشور سلطنتی است. شاید این ولیعهد اکنون گمان می‌کند که جنبش اصلاحاتی که به راه انداخته از کنترل خارج شده است، شاید هم فکر می‌کند که بیش از حد سریع جلو می‌رود و نخبگان پیر را که اکنون نیاز به راضی شدن دارند، ناراحت کرده است.

شاید پدر او به او توصیه کرده – یا گفته شده که به او توصیه کرده – که او باید از سرعت خود بکاهد. این امکان که محمد بن سلمان ممکن است با مخالفت‌های قدرتمندی در عربستان روبرو شود ماه گذشته میلادی در اجلاسی عربی به میزبانی ملک سلمان در شهر ظهران بروز پیدا کرد. این گردهمایی متمرکز بر تصمیم دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا برای منتقل کردن سفارت آمریکا در اسرائیل به شهر قدس بود. در بیانیه پایانی این اجلاس بسیاری از صحبت‌های معمول درباره حمایت از فلسطینی‌ها مطرح شد. این چندان شگفت آور نبود. البته بجز این حقیقت که محمد بن سلمان (که در این اجلاس شرکت کرد اما به عنوان یک نقش پشتیبان برای پدرش) از یک تور سفر سه هفته‌ای به آمریکا بازگشته بود، در حالی که در آنجا مکررا شیفتگی جامعه میلیاردها و تجار و یهودیان آمریکا را برانگیخته بود.

محمد بن سلمان براساس گزارش‌ها به جامعه یهودیان آمریکا گفته بود که مساله سرنوشت فلسطینی جزو ۱۰۰ مساله اول عربستانی‌های عادی نیست. – این گفته براساس گزارش‌ها باعث شگفتی بسیاری از مردم شد. کسانی که با محمد بن سلمان دیدار کردند می‌گویند او در تعاملاتش حتی با کسانی که با آنها مخالف است، مشابه بیل کلینتون، رئیس‌جمهور اسبق آمریکا عمل می‌کند. با این حال او به ندرت نظرش را تغییر می‌دهد. با این حال این ناگوار است زیرا او همچنین در حال مشهور شدن به خاطر گرفتن تصمیمات بد است. از جمله این تصمیمات بد بازداشت سعد حریری، نخست وزیر لبنان، جنگ ادامه‌دار عربستان در یمن علیه حوثی‌ها، مناقشه دیپلماتیک با قطر و بازداشت حدود ۴۰۰ شاهزاده و تاجر متهم به فساد در عربستان است. علاوه بر آن اجرای سند دورنمای ۲۰۳۰ که سند تغییرات اقتصادی در عربستان است با سرعت لاک‌پشتی جلو می‌رود.

شاهکار این طرح فروش بخشی از شرکت نفت دولتی آرامکو عربستان است اما این اتفاق به تاخیر افتاده است. در این میان افشاگری‌های رسوا کننده‌ای علیه افراط گری‌های محمد بن سلمان در حال بروز است. به نظر می‌رسد محمد بن سلمان واقعا علاقه‌مند به تغییر نیست. بازداشت این فعالان نشان دهنده ادامه همان شیوه رفتار عربستان در گذشته است. در سال ۱۹۹۰ ده‌ها زن عربستانی به اتهام رانندگی در ریاض دستگیر شدند اما عربستان امروز قرار است متفاوت باشد و قرار است محمد بن سلمان یک چهره سلطنتی متفاوت باشد. امیدهای جهان به این است که او یک کشور عربستان مدرن به وجود آورد که بتواند خود را از قید و بندهای محافظه کارانه رها کند. بعد از این بازداشت‌های اخیر اکنون قابلیت محمد بن سلمان برای ارضا این امیدها زیر تردید قرار می‌گیرد.

د ملي شورا د ځينو غړو په کورونو کې د تذکرو د پلور او وېش په اړه د مشرانو جرګې غبرګون

«مونږ تولو کشفي او استخباراتي ارګانونو ته دنده سپارلې، څو هغه کسان چې غير قانوني کړنې کوي او د خلکو له اقتصادي ناتوانۍ ناوړه ګټه پورته کوي او د پيسو په بدل کې تړې تذکرې اخلي، په نښه کړي، که داسې موارد کشف شي، نو له اړوندو کسانو سره به قانوني چلند وشي.»

پلور ته اشاره وکړه، دغه لړۍ دوام لري او هغه کسان چې تذکره پيرۍ او هغه چې يې پلوري، وطن دوسته خلک نه دي.»

بل خوا سناتوره ګلالۍ اکبري وايي، له دې چارې سره د انتخاباتو د کمپسيون خپلواکي تر پوښتنې لاندې ده او د دغه کمپسون په ناتوانۍ سره د انتخاباتو شفافيت هم تر پوښتنې لاندې راځي.

خو دا چې د نوم ليکنې د بهير د غځولو او په دې برخه کې د غير قانوني کړنو د مخنيوي لپاره د انتخاباتو خپلواک کمپسيون څه پلان لري، هڅه مو وکړه چې په دې اړه د دوی نظر واخلو، خو د دغه کمپسيون مسؤلينو زمونږ اړيکو ته ځواب ورنه کړ.

د دې ترڅنګ د انتخاباتو د امنيت ټينګښت، د حساسو مواد کمښت او په يو شمېر ولايتونو کې ترلې مرکزونه هغه نورې ستونزې دي چې د مشرانو جرګې غړي ورته ګوته نيسي.

دا په داسې حال کې ده چې يوه ورځ مخکې د انتخاباتو خپلواک کمپسيون له خوا د ولسي جرګې او ولسوالیو شوراګانو د کاندیدانو د نوم ليکنې بهير پيل شو.

بل خوا د کورنيو چارو وزارت ويانډ نجيب دانش وايي، کوم کسان چې د انتخاباتو په برخه کې غېرې قانوني کړنې کوي، که هغه هر څوک وي، قانوني چلند به ورسره وشي.

نومورې وويل:

«مونږ په جدي ډول د کمپسيون رئيس ته وايوو چې دغه موضوع په دقيق ډول وڅاري او د تذکرو وېش او د نوم ليکنې بهير ته دې پاملرنه زياته کړي، ځکه دغه مسئله په پای کې ډېرې بدې پايلې لرلای شي، د جوزا په اومه نېټه بايد د نوم ليکنې بهير ونه درول شي، مونږ د نا امنو سيمو ترڅنګ، حتا په امن سيمو کې هم د دغه بهير غځېدل غواړو.»

خو له دې ټولو سره سره د مشرانو جرګې غړي وايي، د ملي شورا د يو شمېر غړو کورونه د تذکرو د پلور او وېش په مرکزونو بدل شوي او هغه کسان چې له دې لارې غواړي بريالي شي، د ټاکنو کمپسيون دې يې د اسنادو او شواهدو سره رد کړي.

د دغې جرګې يو تن غړی ګل احمد اعظمي وايي:

«عمده ننګونه ناامني ده، په ځانګړي ډول په لېرو پرتو ولايتونو او سيمو کې چې زوروا کي او مافيايي کړۍ د ډموکراسۍ خلاف دي، ځنګه چې تاسو د تذکرو پېر او